

نمی تواند برخلاف مواد این قانون رفتاری بکند
ارباب کبخیخسرو - دراصل (۲۴) قانون اساسی این طور مینویسد (بستن عهدنامه ها و مقاوله نامه ها و اعطای امتیازات (انحصاری) تجارتمی و صنعتی و فلاحتی و غیره اهم از اینکه طرف داخله باشد یا خارجه باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد) بنده عرض میکنم باین اصل هر امتیازی که اداره پست بدهد از درجه اعتبار ساقط است و ما هم بهر کس انحصار بدهیم نمی تواند برخلاف آن موادی که تصویب شده عمل کند و بنده تصور میکنم اگر در قانون پست یک همچو چیزی نوشته شود ما مجبوریم در هر قانونی که وضع می کنیم و امتیازی میدهیم بگوئیم هر قرار داد که باین کسی می بندد و باید بتصویب مجلس شورای ملی باشد .

رئیس - گویا مذاکره کافی باشد - رای میگیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند (هده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد - آقای حاج شیخ اسدالله اظهاری دارید .

حاج شیخ اسدالله - بنده دو فقره عرض دارم یکی راجع باینکه سکه نیکل است که امروز در این مملکت رایج است و استعدا میکنم از مقام ریاست بهیئت دولت نوشته شود چون بتازگی بانک شاهنشاهی یک سکه وارد کرده که تاریخ ۱۳۳۲ و ۱۳۳۳ دارد و این سکه هم خیلی زیاد است و معلوم نیست بانک از روی چه قرار داد امتیازی این سکه را وارد میکند و بمصرف میرساند دیگر آنکه مطابق امتیاز نامه بانک باید در مقابل نوتهای خود سکه نقره طلا بپردازد و این سکه هم در مقابل نوتهای خود سکه نیکل بپردازد و طلا نمیدهد شاید بیعضی میدهد ولی بموم مردم نمیدهد در صورتی که مطابق آن قرار داد نمیتواند این سکه را بپردازد و باید سکه طلا و نقره بدهد و اگر این مطلب بهمین منوال بگذرد خواهیم دید که بعد از مدتی چندین کرور سکه نیکل در این مملکت بدست مردم هست و ابدأ فایده ندارد و بهیچ نمی ارزد و از مس بدتر است زیرا مس باز یک قیمتی داشت ولی نیکل در مملکت ما ابدأ مصرفی ندارد اینست که بنده عرض و تقاضا میکنم از مقام ریاست بهیئت دولت نوشته شود اولاً راجع بسکه جدیدی که بانک وارد کرده است مشخص کند که از روی چه مآخذ و چه امتیاز و قرارداد وارد کرده است و بعلاوه از این پولهای نیکل که بانک در مقابل اسکناسهای خود صد تومان و پانصد تومان توزیع میکند جلوگیری بنماید و در مقابل نوتهای خودش سکه طلا و نقره بدهد
رئیس - خوب بود این مطلب را بطور سؤال مینوشتنند و از وزیر مالیه سؤال مینمودید .

حاج شیخ اسدالله - مینویسم سؤال میکنم

رئیس - آقای میرزا قاسمخان راجع بمحاسبه خزانه داری اظهاری دارید .

میرزا قاسم خان - اگر آقایان در نظر داشته باشند یکی از جلسات در مجلس حاضر پیشنهادی از طرف شاهزاده سلیمان میرزا بمجلس تقدیم شد راجع بمحاسبه گذشته خزانه دار کل و تقاضای یک کمیسیون

از مجلس کرده بودند که آن کمیسیون بضمیمه چند نفر دیگری که صلاحیت داشته باشند بمحاسبه سابق خزانه داری رسیدگی کنند مجلس هم بعنوان استفاده که از حقی که قانون اساسی برای او تخصیص داده بود این پیشنهاد را باین صمیمیت مفرطی قبول کرد ولی مع التاسف بعضی از اعضاء استعفاء دادند و این مسئله هم مثل سایر فریادهای پارلمان خفه شدن میدانم بواسطه موانع خارجی بوده است و باین صمیمیت اشخاصی که در آن کمیسیون داخل شده بودند و استفاده دادند این مسئله متروک ماند از قراری که بعضی از جراید محلی مینویسند و بموجب اطلاعات خصوصی بعضی از مستخدمین بلژیکی با اطلاع یابی اطلاع وزیر مالیه با برداشت وجوهی که خارج از دایره کتیرات آنها دارند دارند از مملکت ایران خارج میشوند و تعجیل خزانه دار سابق هم بدون اطلاع وزارت متبوعه خودش از مملکت ایران خارج شود و ما روزی را به بینیم که بدون دادن محاسبه از مملکت ما خارج شده و بدین حساب مملکت ایران را کی خواهد داد اگر چه اولی و انبسط این بود که این اظهار از طرف پیشنهاد کننده بشود ولی با صمیمیتی که مخصوصاً باین نمایندگان موجود است بنده بنام ایشان از مقام محترم ریاست مجلس درخواست میکنم توجیهی در تکمیل انتخاب این کمیسیون بفرمایند که اقلاً مسامتی برای رسیدگی بمحاسبه خزانه داری بعمل آمده باشد و امیدوار هستم که آقایان هم همراه باشند (جمعی تصدیق کردند)

رئیس - این مطلب مربوط بمقام ریاست نیست پیشنهاد بفرمائید تا انتخاب شود

سلیمان میرزا - همانطور که آقای میرزا قاسمخان فرمودند آروز بنده خودم این تقاضا را کردم و مدتی است کمیسیون بواسطه استعفاءی ۳ نفر از اعضاء بدون تکلیف مانده و در اینکار مهم اقدامی نشده است در صورتی که امروزه اوضاع مالیه بطوری درهم و برهم که بهیچوجه بمدها نمیتوانیم اسنادی که از برای محاسبه لازم است در دست داشته باشیم و میشنویم بعضی از دوسیه ها از خزانه داری خارج شده حتی اینکه گویا وزیر مالیه در اینخصوص چیزی بخزانه دار مینویسد او در جواب مینویسد که راجع باعمال شخصی بوده است در صورتیکه از خارج مطلع هستیم که این دوسیه ها راجع بخزانه داری است و خیلی خرابی های دیگر هم از برای مالیه مملکت بدبخت مارخ خواهد داد و اگر این کمیسیون زودتر شروع نشود خیلی بد ترتیبی خواهد شد استعدا میکنم آقای رئیس امر فرمایند که در پایان این جلسه سه نفر اعضائی که کسر دارد انتخاب و این کمیسیون تکمیل شود و بعد از آنکه هده اعضاء کمیسیون تکمیل شد بنده یک پیشنهادی خواهم کرد که مجلس اجازه بدهد که این چند نفر نه در مجلس و نه در کمیسیونها هیچکس حاضر نشوند و تمام روزها را باین حساب رسیدگی کنند شاید زودتر تمام شود و راپورتی بمجلس بدهند و الا اگر مثل سایر کمیسیونها بخواهند روزی دوسه ساعت بنشینند بی نتیجه خواهد ماند

رئیس - راجع بانتهای سه نفر که امروز وقتی از اینجا تشریف مبرند انتخاب بشوند مخالفتی نیست (گفته شد خیر)

رئیس - پس وقتیکه تشریف میبرید باید انتخاب کنید جلسه آتی هم روز پنجشنبه سه ساعت بفروب

مانده دستور هم شود اول قانون تشکیلات مالیه راجع بولایات و انتخاب یک نفر نایب رئیس بجای آقای مؤدب السلطنه اسامی دو نفر آقایان نظار هم برای انتخاب سه نفر اعضاء کمیسیون بقرعه معین میشود (در اینموقع آقای صدرالملك استعفاء نمودند و بطریق ذیل نتیجه حاصل شد)

(آقای حاج شیخ محمد حسین یزدی - آقای حاج هز المالك)

سردار معظم - چون کمیسیون قوانین مالیه باید بعد از ختم جلسه منعقد شود اگر مجلس تصویب نماید

رئیس - بلی آقای حاج هز المالك معاف هستند آقای حاج شیخ محمد حسین یزدی هم ملاحظه اظهاراتی که آروز فرمودند معاف هستند دو نفر دیگر تعیین میشود (دو نفر آقایان ذیل معین شدند) (آقای حاج هز المالك - آقای منتصر السلطان) **منتصر السلطان** - بنده عضو کمیسیون قوانین مالیه هستم (مجدداً برای تعیین یک نفر دیگر عمل قرعه تجدید و آقای حاج میرزا حسینخان معین شدند) (مجلس بمساعات قبل از غروب ختم شد)

جلسه ۳۷

صورت مشروح مجلس روز شنبه ۲۸ جمادی الثانیه سنه ۱۳۳۳

مجلس دو ساعت و ربع قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل و صورت مجلس روز ۳ شنبه ۲۴ قرائت شد

غائبین بدون اجازه - آقایان حاج شیخ اسمعیل حاج معین التجار - فرج الله خان سردار معظم - غائبین با اجازه - آقایان حاج امام جمعه طباطبائی حاج شیخ محمد حسین - استرآبادی - ناصر الاسلام میرزا محمد علیخان نظام السلطان

رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی هست یا نیست (اظهاری نشد) ملاحظاتی نیست صورت مجلس تصویب شد دستور امروز شور در قانون تشکیلات مالیه ولایات و بعد انتخاب یک نفر نایب رئیس است آقای عدل الملك راجع بدستور فرمایشی دارید

عدل الملك خیر راجع بدستور عرضی ندارم

رئیس - آقای عدل الدوله چون مخبر کمیسیون حاضر نیستند ممکن است از لایحه دفاع بفرمائید .

عدل الدوله - بلی

(ماده ۶۹ بمضمون ذیل قرائت و آقای عبدالعسین خان سردار معظم مخبر کمیسیون وارد شدند)

فصل ۶۹ ریاست اداره مالیه هر یک از ایالات و ولایات برعهده یک نفر پیشکار با امین مالیه خواهد بود

رئیس - آقای معتمد السلطنه مخالفید

معتمد السلطنه در کلیات مخالفم

رئیس - این لایحه متمم همان قانون تشکیلات مالیه است و کلیات ندارد

حاج شیخ اسدالله - لایحه قانونی تشکیلات مالیه که از طرف دولت راجع بر مرکز پیشنهاد شده بود شور اولش تمام شد ولی راجع بولایات از قراری که بنده شنیده و اطلاع دارم کابینه جدید راپورت

آنرا پس گرفته و يك راپورت جدیدی داده اند البته اساس قانونم باید از طرف دولت پیشنهاد بشود در این پیشنهاد که از طرف دولت داده شده و به کمیسیون رفته ما هنوز ندیده و نمیدانیم پیشنهاد دولت راجع به تشکیلات ولایات چه نحو است بنده تصور میکنم که آن راپورت باید قبلاً بمجلس بیاید و آنرا بخوانند تا بعد نظریات آقایان نمایندگان نسبت به آن پیشنهاد و اصلاحات کمیسیون معلوم و اظهار شود

رئیس - اگر تامل میفرمودید قرائت میشد پیشنهادی که هیئت دولت کرده است یکی راجع بماده (۷۰) و دیگری راجع بماده (۷۲) میباشد که در موقع قرائت میشود و يك فقره هم راجع بماده (۳۹) است که در شور دوم خوانده خواهد شد. در ماده ۶۹ گویا دیگر مخالفی نباشد (مخالفی نشد) ماده (۷۰) پیشکاران مالیه بر حسب پیشنهاد خزانه داری کل و تصویب وزیر مالیه و فرمان همایونی و امانه مالیه بر حسب پیشنهاد خزانه داری کل و حکم وزیر مالیه معین میشوند ولی در صورتی که وزیر مالیه با پیشنهاد خزانه داری موافقت نداشته باشد تجدید پیشنهاد خواهد شد

معتصم السلطنه - در این ماده تعیین پیشکاران و امانه مالیه را پیشنهاد خزانه داری کل و حکم وزیر مالیه موکول نموده است و این ترتیب در واقع همان ترتیبی است که در سابق هم معمول بوده و در این صورت وزارت مالیه ابداً نفوذی در ایالات و ولایات نخواهد داشت از این جهت بنده با این مطلب مخالف هستم و تصور میکنم باید پیشکاران و امانه مالیه بر حسب پیشنهاد اداره پرسنل (که در تحت امر وزارت مالیه است) و حکم وزارتی معین شوند تا اینکه در واقع نفوذ وزارت مالیه در تمام مملکت برقرار باشد

مختصر السلطان - این قسم اظهاراتیکه نماینده محترم فرمودند گمان میکنم در این باب اشتباهی کرده بواسطه اینکه سابقاً که پیشکاران و امانه مالیه از طرف خزانه داری معین میشدند تعیین آنها محتاج بصدر فرمان از طرف اعلیحضرت همایونی و حکم وزیر مالیه نبود بلکه بموجب قانون (۲۳) جوزا خود خزانه داری معین میکرد و میفرستاد ولی وقتی که بموجب این ماده معین شوند ابتدا شخص خزانه دار بوزیر مالیه پیشنهاد میکند اگر وزیر مالیه تصویب کرد راجع به پیشکاران مالیه برض همایونی میرساند و جریان آنرا صادر میکنند و آنچه راجع با امانه مالیه میباشد که در درجه دوم است خود وزیر حکم میکنند و محتاج فرمان همایونی نخواهد بود و اینکه اظهار کردند نفوذ قدرتی برای وزیر مالیه در مملکت باقی نخواهد ماند بنده عرض میکنم اینطور نیست زیرا حکم و صدور فرمان و عزل و انفصال آنها چنانکه در ماده ۷۶ ذکر شده تماماً راجع بوزیر مالیه است پس امانه و پیشکاران مالیه کاملاً در تحت حکم وزیر مالیه خواهند بود و اما اینکه چرا باید خزانه داری پیشنهاد بکند بواسطه این است چنانکه در ماده راجع بحدود و وظایف خزانه داری ذکر شده مرکزیت و جمع آوری کل عایدات بتوسط خزانه داری میشود همانطوریکه در آنجا ذکر شده مأمورین مالیه که بولایات میروند مالیات را جمع آوری میکنند و بعد از تأدیه مخارج مصوبه مازاد آن را باید به

خزانه داری بفرستند پس باید خزانه داری نسبت به پیشکاران و امانه مالیه تا يك درجه نفوذ و قدرتی داشته باشند یعنی بتوانند نظارت در خرج داشته و بدانند مخارجی که میشود از یکنقطه نظر صحیح میباشد نه اینکه آن چیزی را که در آن بودجه نوشته شده است بدهند بدون اینکه در تحت نظر و کنترل دیگری باشد بنا بر این این ماده که در اینجا نوشته شده است در کمال صحت است و وزیر مالیه هم نفوذ و قدرت خودش را دارا خواهد بود و مسئله پیشنهاد خزانه داری فقط برای اینست که مأمورین مالیه ولایات تا يك اندازه در تحت نظارت خزانه داری باشند

حاج شیخ اسدالله - بنظر بنده این چندین عیب دارد اینکه میفرمائید خزانه داری به بوزارت مالیه پیشنهاد مینماید و وزیر مالیه تصویب میکند و بعد فرمان همایونی صادر میشود این فرمایشات صحیح است عبارت هم صحیح است ولیکن يك عبارت پردازی قشنگی است و خلاصه معنی اینست که پیشکاران و امانه مالیه را خزانه داری باید معین بکند زیرا که در آخر ماده میگوید اگر وزیر مالیه آن کسی را که خزانه داری پیشنهاد میکند تصویب نکرد ثانیاً باید خزانه داری معین نماید منتهی اگر در دفعه اول پیشنهاد کرده و رد شد دفعه ثانی پیشنهاد و معین میکند و این مطلب باید معلوم شود و طوری باشد که اختیار را بدست خزانه داری ندهیم بنظر بنده قانونی که نوشته میشود باید قانون گذار يك نظری راجع با اجرای آن قانون داشته باشد یعنی مناسبات مملکتی و ملاحظات مجلی و مجری تماماً را در ضمن وضع آن قانون بسنجند باین معنی که مقنن باید به بیند این قانون را که وضع میکند و می نویسد بدست کسی باید بدهد و مجری آن کی خواهد بود و برای چه مملکتی وضع میشود و باید تمام مناسبات آن قانون را با مقتضیات مملکتی به بیند و بسنجد آن وقت قانون را وضع کند و با آن سوابقی که از برای مردم نسبت بمأمورین بلژیکی بیش آمد و نظر بآن صدماتی که دیده اند بنده و سایر آقایانی که هم عقیده بنده هستند از این اختیاراتی که به خزانه داری داده می شود و شاید دولت هم در نظر داشته باشد که خزانه داری بلژیکی باشد حقیقتاً خائف هستیم بواسطه اینکه اختیارات را که بدست خزانه داری دادیم و خزانه دار هم بلژیکی شد آن وقت نظر باختیار نامه که دارد هر نوعی که خواهد و نسبت بمایدات مملکت رفتار میکند و مأمورین مالیه هم طبعاً مطیع میل و اراده و حکم خزانه داری خواهند شد و نسبت بمایدات هم میتوانند صورت ندهند و اگر در يك موقعی بخواهند از آنها جلوگیری کنند ممکن است خزانه داری يك دستوری بآنها بدهد که صورت مأخوذی و عایدات خودشان را ندهند و محاکماتی هم که باید با آنها بشود بيك ترتیب و در ضمن يك موادی است که نمیتوانند مأمورین خارجه را مثل مأمورین داخله کاملاً در تحت محاکمه بیاورند اینست که بنده عرض میکنم باید اختیارات را از دست خزانه داری گرفت و بوزارت مالیه داد و خزانه داری باید مأموریت او فقط جمع آوری عایدات باشد و لازمه این جمع آوری تعیین مأمورین و پیشکاران مالیه که بهر فشاری و ترتیبی که میتواند

مأخوذی و عایدات را از آن مأمورین بگیرد بدون این که به ترتیب معاملات مجلی نظری داشته باشد زیرا آن وظیفه وزیر مالیه است و مسئولیت آن با پیشکاران و امانه مالیه میباشد ولی همینقدر که ما اختیارات را بخزانه داری دادیم یعنی او را مأمور تعیین پیشکاران و امانه مالیه کردیم آن وقت بواسطه اختیار فوق العاده که دارد هر نوع فشاری که بخواهد بمأمورین مالیه نسبت بمأخوذی و عایدات آنها می آورد در حالی که باید مأمورین مالیه از روی صورت جز و جمعی که از طرف اداره تشخیص عایدات و مطابق دستوری که بآنها داده میشود عایدات را گرفته بخزانه بدهند و اگر از آن دستور تخلفی کردند آن وقت نظر بآن مواد قانونی که در تشکیلات مرکزی نوشته شده مجازات مقرر در باره آنها بموقع اجراء گذاشته شود

حاج عز الممالک - برعکس اظهارات آقای حاج شیخ اسدالله بنده عرض می کنم که در وضع قانون نباید ملاحظه اشخاص را کرد بلکه باید ملاحظه نمود که از روی ترتیبات اداری برای اصلاحات يك وزارت خانه چه اداراتی لازم داریم و اختیارات و حدود آن ادارات چه اندازه و بچه ترتیب باید باشد بوزیر مالیه که ما داریم باید اختیاراتی داده شود یا نه - و چه نحو اختیاراتی باید باو داد - همین ملاحظات و احساسات بود که ما را واداشت قانون ۲۳ جوزا را نوشتیم و دچار آن اشکالات شدیم و همه آقایان در نظر دارند ترتیبات آنوقت طوری بود که مجلس حق داشت در آن موقع همچو قانونی وضع کند زیرا ترتیب بيك شکلی بود که لازم بود قرار جدیدی داده شود و در موقع وضع قانون ۲۳ جوزا بيكی دو نفر از آقایان نمایندگان مخالفت میکردند و میگفتند نایبستی این اختیارات را بيك نفر خزانه دار داد نه تنها بنده بلکه همه آقایان نمایندگان گفتند این اختیارات که سهل است بيك اختیارات زیاد تری هم باید بخزانه داری داد تا امور مالیه مملکت ما را مرتب کند باینواسطه اختیارات را دادیم و حالا مجبور شده ایم که آن اختیارات را بگیریم و حالا که این اختیارات را از روی احساساتی که هست میگیریم چون آن نتیجه را که از خزانه داری میخواستیم نبرده ایم حالا باید به بینیم بيك وزیر بطوری که سابقاً معمول بود باید اختیارات را بدهیم و او را در تشکیلات طوری مختار کنیم که بخیالات شخصی خودش در هر کاری بتواند اقدام کند بعقیده بنده این ترتیب مناسب با ترتیبات اداری نیست و اینکه میفرمایند این اختیارات باید از خزانه داری گرفته شود گرفته شده است زیرا اداره تشخیص و اداره محاسبات و کمیسیون تطبیق حوالجات همه را از یکدیگر جدا کرده ایم و این ماده که میگوید پیشکاران مالیه بر حسب پیشنهاد خزانه داری کل و تصویب وزیر مالیه و فرمان همایونی و امانه مالیه بر حسب پیشنهاد خزانه داری کل و حکم وزیر مالیه معین میشوند در این موضوع بنده عرض میکنم صرف نظر از این که باید این اختیار را از دست خزانه دار گرفت یا نگرفت از نقطه نظر اداری هیچ نمیتوان تصدیق کرد که تعیین پیشکاران و امانه مالیه را بدون

رجوع بیک اداره که از سوابق اعمال مأمورین خودش مطلع باشد بمهده یک وزیر را گذار نمود که معلوم نیست نظریات او درباره اجزاء چیست و امر و وزیر کیست و فردا کی خواهد بود بمقیده بنده این ترتیب بکلی رشته اداری را از هم میبرد و همین طور که در کمیسیون با حضور آقای مدرس صحبت شد باید تعیین رؤسای و پیشکاران مالیه بر حسب پیشنهاد یک اداره باشد حالا این اداره صلاحیت این امر را دارد یا ندارد آن مطلبی است علیحده ولی اساساً اگر معتقد شویم که این امر بیک اداره که اهمیتش بواسطه مداخلت در امورات مالیه زیادتر است گمان میکنم باید تصدیق کنیم که از طرف آن اداره پیشنهاد شود و کمیسیون هم این طور تصویب کرده که آن اداره که نظریاتش در کارهای مالیه بیشتر دخیل است باید تعیین مأمورین مالیه را بوزیر مالیه پیشنهاد کند و وزیر مالیه تصویب نماید حالا اگر در اساس این مطلب مخالفی باشد و عقیده شان این باشد که وزیر حق داشته باشد که بدون مراجعه بیک اداره یک مأموری معین کند بنده و اشخاصی که با عقیده بنده موافقت دارند باین ترتیب مخالف هستیم و میگوئیم که وزیر را نباید مختار نمود که بدون مراجعه بیک اداره یک مأموری را منصوب نماید پس خوب است آقایان دقت نظری بفرمایند که چه اداره صلاحیت خواهد داشت این پیشنهاد را بکنند ولی اساساً اگر بخواهند مخالفت بکنند و بگویند تعیین مأمورین فقط با اختیار وزیر مالیه باشد بنده این را خیلی غلط میدانم و عقیده ام اینست که نباید در تعیین پیشکاران و امانه مالیه بوزیر مالیه اختیارات تام داده شود والا بترتیب چند سال قبل رجعت کرده ایم تعیین آنها بطور مزایده خواهد شد و همان ترتیباتی پیش خواهد آمد که ما را مجبور کرد قانون ۲۳ جوزا را وضع کنیم

آقای شیخ محمد حسن گروسی - بنده بطوریکه پیشنهاد شده و خودم نیز امضا کرده ام عرض میکنم باید در تعیین مأمورین مالیه پیشنهاد از طرف اداره پرسنل و مازومات بشود نه از طرف خزانه داری

مجلس - مذاکرات در اینخصوص خیلی شده است این ترتیبی را که آقای حاج عزالمالک فرمودند ترتیب علمی است که باید یک اداره پیشنهاد کنند و چون پیشنهاد های اداره خزانه داری را تجربه کرده ایم حالا خوب است این مسئله پیشنهاد را بمهده یک اداره دیگری بگذاریم یا اینکه یک اداره کل عایداتی در مملکت تشکیل کنیم و این پیشنهاد از طرف او بشود یا همانطوریکه آقای حاج شیخ محمد حسن گفته اند رفتار شود یا با اداره تشخیص و گذار کرد علی ایحال چون پیشنهاد اداره خزانه را تجربه کرده و درست ملتفت شده ایم باید یک اداره دیگری را از قبیل اداره تشخیص عایدات یا اداره محاسبات یا اداره پرسنل معین نمود که او پیشنهاد نماید بنده باین ماده مخالفم که پیشنهاد از طرف خزانه داری بشود بواسطه اینکه در اینصورت حقیقتاً اختیار با وزیر مالیه نخواهد بود زیرا وقتی که خزانه داری پیشنهاد کرد و وزیر مالیه تصویب نمود تا نیا پیشنهاد مینماید اگر باز هم وزیر مالیه تصویب نکرد عاقبت چه میشود مسلم است که عاقبت بدون نظر آن پیشنهاد کننده تصویب نخواهد شد پس این مأمور از طرف وزیر مالیه منصوب نخواهد

شد و مأموریکه از طرف وزیر منصوب نشود همانطور است که دیده ایم و مفاسدیکه بر آن مترتب شد باز مشاهده خواهیم کرد.

مخبر - بنده خیلی متأسف هستم از اینکه بیاناتی که آقای مدرس فرمودند بر خلاف انتظار بود و خلاصه فلسفه را که اظهار داشتند این بود که ما نظر به تجربه که کرده ایم پیشنهاد خزانه داری نتیجه خوبی نداشت و تصور فرموده اند که این خزانه داری که مطابق تشکیلات جدید معین می شود یا آن خزانه داری که مطابق قانون ۲۳ جوزا معین شده بود یک چیز مشترکی دارد و حال اینکه اگر دقت بفرمایند غیر از خ- ز- الف- نون- ه- چیز مشترک دیگری ندارند و بمقیده بنده همان وزیر که بعضی از آقایان اینهمه اصرار دارند تمام اختیارات را در وجود او متمرکز بدهند اگر حقیقتاً بتواند این قانون را اجرا کند بهترین قانون خواهد بود که نوشته شده است و بنده در مقابل پاره از اظهارات آقای حاج شیخ اسدالله باین نکته اکتفا نموده و عرض میکنم که خوب است در مقابل قانون و قانون گذاری کمتر داخل اشخاص شویم البته باید مجلس یک رأی را که میدهد از روی دقت و مطالعه باشد ولی در شور اول قانون تشکیلات مالیه در موقعی که راجع بوظائف خزانه داری مذاکره میشد بنده دیده دو فقره از وظایف او در مجلس تصویب شد یکی تمرکز و جمع آوری تمام عایدات نقدی و جنسی دولت و دیگری تأدیه حوالجات مستقیم و اعتباری وزیر مالیه در حدود مقررده قانون وقتی که این دو مسئله در مجلس مذاکره و تصویب شود معلوم است که مجلس در نظر ندارد خزانه را تحویل بیک صندوق آهنی بکنند که مازاد عایدات و لایات بآن وارد شود و خزانه دار فقط مکلف به تحویل گرفتن آن باشد بلکه خزانه داری خواهد بود که مطابق تشکیلات جدید و بر حسب این قانون تأسیس میشود و مطابق با قانون اداره است در عرض ادارات وزارت مالیه و در تحت او امر همان وزیری خواهد بود که آنقدر اصرار دارند مقتدر باشد و چنانکه برای سایر اداراتی که تأسیس شده است وظایفی را معتقد شده اند برای این اداره هم دو وظیفه را قائل شده اند که یکی مسئله وصول و دیگری مسئله تأدیه مخارج دولتی باشد و قتیکه در مرکز برای یک اداره این دو اصل را قائل شدیم و گفتیم که باید آن اداره وصول و مخارج را مرتب کند و معتقد شدیم که هر دو از وظایف اداره خزانه داری است البته علاوه بر مرکز دولت در تمام نقاط مملکت ایران هم مخارج دارد لذا باید تمام وسائل انجام این وظیفه را هم برای او فراهم کنیم والا آن حرف اولی ما طبعاً بی مأخذ خواهد بود و حرفی زده ایم که وسائل در موقع تشکیلات از او سلب کرده ایم پس ما مجبوریم قائل شویم خزانه داری وظیفه اش جمع آوری و مسئول وصول عایدات میباشد و تأدیه مخارج مملکتی هم برعهده او گذاشته شده است و از نقطه نظر وصول خودسریهای سابق مرتفع و محدود محدود معینی شده است یعنی باید مأمورین در موقع جمع آوری عایدات محدود باشند بدستور- العملها و صورت جزء جمعهای که از طرف اداره شکل تشخیص عایدات برای آنها فرستاده میشود

پس این یک حدی است که مقرر شده و بوسیله آن تا یک اندازه از خود سربها جلو گیری خواهد شد و از جهت مخارج هم معلوم است محدود خیلی سختی محدود شده است و اجازه مخارجی که مطابق بودجه و اعتبارات مصوبه باشد و حواله آن بتصویب کمیسیون تطبیق و الحجات و امضاء وزیر مالیه رسیده باشد بخرانه داری داده شده پس ما باید بگوئیم که از برای هر یک از عملیات این ادارات مختلفه ممکن است مأمورین مختلف در ولایات داشته باشیم این یک نظری است که شاید از روی کافذ خیلی مشتمع و در عالم الفاظ خیلی خوب باشد و در زمینه آنهم یک حرفهای خیلی قشنگ گفته شود ولی این یک نظری است که حقیقتاً روح ندارد و از جهاتی بی تناسب خواهد بود که یکی از آن جهات اجازه ندادن بودجه مملکت میباشد یا این است که باید در کلیه ایالات و ولایات فقط بیک مأمور اکتفا کنیم و مسلم است آن مأمور کارش وصول عایدات و هم تأدیه مخارج دولتی خواهد بود حالا نمی دانم آقایان در باب تعیین مأموریکه در فلان ولایت کار و عملش وصول مالیات و تأدیه مخارج دولتی می باشد چه تصور میکنند آیا تصور میفرمایند که باید آن مأمور از طرف اداره دیگر غیر از اداره خزانه پیشنهاد شود و بطوری تعیین شود که به چه نظر اداره در مرکز مسئولیت آن وظایف را دارد و در آن نباشد بمقیده بنده این تصور غلط است و صحیح نیست بواسطه اینکه وقتی در مرکز یک اداره مکلف باین تکلیف شد طبعاً برای اجرای این تکلیف اول اختیاری که باید باو داده شود اینست که در تعیین مأمورینی که برای انجام تکلیف او معین میشوند نظر داشته باشند نه اینکه نظر او را هیچ شرط نمانیم اگر در این ماده دوباره دقت فرمایند معلوم میشود که در تعیین مأمورین فقط برای خزانه داری حق پیشنهاد کردن راقائل شده و در مقابل اینکه از این حد هم قدری کاسته شود برای وزیر مالیه حق رد این پیشنهاد را هم قائل شده ایم و اینکه آقایان میگویند حکم وزیر مالیه در اینجا فقط یک لفظ ظاهری است و هیچ معنوی ندارد بواسطه اینکه آن مأمور وقتی که ولایات رفت خودش را مستقیماً از طرف خزانه مأمور خواهد دانست و غیر از دستور العمل اداره خزانه کار دیگری نخواهد کرد بنده عرض میکنم از این ترتیب هم جلوگیری شده است و حق انفصال آن مأمور بوزیر عدلیه داده شده است بلازمه یک محاکماتی را هم فائل شده ایم که هر کس از مأمورین مالیه شکایتی داشته باشد بان محکمه رجوع کند و تصدیقات اداری آنها هم به مجلس مشاوره عالی معول شده است بر خلاف سابق که اگر کسی شکایتی از مأمورین مالیه داشت بخود آن مأمور رجوع میکردند و از خود او توضیح میخواستند و البته آن مأمور هم جواب صحیحی نمیداد

بالاخر رسیدگی بدهای حقوقی راجع به عایدات و رسیدگی بتصدیقات اداری مأمورین مجلس مشاوره عالی معول شده و حق انفصال آنها را هم مستقیماً بوزیر مالیه داده اند بنا بر این آقایان استدعا میکنم که پیش از این تقاضا فرمایند که حتماً باید بر حسب پیشنهاد اداره پرسنل پیشنهاد شود و دقت بفرمایند موادی که برای تشکیلات مالیه ولایات نوشته میشود

باید حتماً تا قانونی از برای تشکیلات مالیه مرکزی نوشته میشود مطابق بکنند و این قانون باید یک قانونی باشد که در تمام مواضع بیکدیگر مربوط باشد و شامل یک اصولی باشد در خاتمه عرض خودم یک مسئله را میخوانم عرض کنم که آیا آقایان این تعاشی را از چه دارند از کلمه خزانه داری یا از عملیات گذشته آن طبعاً باید تصور کرد که این تعاشی را از کلمه خزانه داری ندارند زیرا ممکن است بجای آن کلمه کلمه دیگری تعیین بیاک اسم دیگری وضع کنیم هیچ اهمیتی ندارد و عملیات را وقتی تصور بفرمایند چه خوب و چه بد اگر وزیر مالیه خوب باشد ممکن است عملیات اداره تشخیص عایدات اداره خزانه داری و اداره محاسبات و سایر ادارات مرکزی وزارت مالیه هم خوب باشد و اگر بد هم باشد ممکن است تمام ادارات مثل هم باشند پس خوب است اصرار نکنند که بنده یا خوبی منحصر بخرانه داری خواهد بود

رئیس - مذاکرات را آقایان کافی نمیدانند (گفته شد کافی نیست)

رئیس - رأی میگیریم آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند (عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - معلوم میشود کافی نیست

آقای سید فاضل - بنده اولاً نمیدانم اهل این مملکت و علاقه داران باین مملکت یعنی این ملت فقیر چه گناهی کرده اند که باید اینقدر در تحت فشار باشند بواسطه قانون ۲۳ جوزا که برداشته شد و اقامت روح قانون ۲۳ جوزا در این قانون میباشد و در قانون تشکیلات مرکزی که مذاکره می شد دلخوش بودیم که قانون تشکیلات ولایات که بجنس بیاید معایب قانون ۲۳ جوزا رفع میشود هنوز تنفرت مردم در ولایات از خزانه داری و پیشکاران که گوش مردم را پر کرده رفع نشده و اغلب نمایندگان که از بلاد مختلفه آمده اند مسوقند دیده اند که خزانه دار و پیشکاران مالیه چه قدر مردم را در فشار انداخته اند و چه تعدیاتی بردم شده است در اینجا نوشته شده در صورتی وزیر مالیه با پیشنهاد خزانه دار کل موافقت نداشته باشد تجدید پیشنهاد خواهد شد حالا بنده معنی پیشنهاد را عرض کنم معنی اصطلاح اینست که از برای این است که پیشنهاد میشود ممکن است قبول کند و ممکن است رد کند این معنی پیشنهاد است ولیکن این پیشنهادی که اینجا نوشته اند پیشنهاد تعیینی است در واقع فرق است بین پیشنهاد از قوی بضعیف از ضعیف بقوی پیشنهادی که اینجا میفرمایند بنظر بنده پیشنهاد تعیینی است یعنی هر چه او پیشنهاد میکند باید قبول شود زیرا یک عبارت دیگری در ذیل نوشته اگر وزیر قبول نکرد باز در نانی پیشنهاد میکند و معنی این پیشنهاد نانی اینست که عاقبت باید بپذیرد بنده عرض میکنم که این پیشنهاد مقرر نمی نیست و عملاً مراد از این پیشنهاد نانی اینست که خزانه دار تعیین میکند و اینکه میفرمایند بعضی ادارات مثل اداره تشخیص عایدات و اداره محاسبات و غیره که در قانون تشکیلات مرکزی گذشت در مرکز تشکیل میشود و بصورت جمع و خرج عایدات مملکت رسیده می کنند و امانای مالیه و پیشکاران مالیه هم البته در موقع خودش رؤسای دوائر چه خزانه چه

ولایات میروند و مالیاتهای را که از مودیان بیچاره میگیرند بخرانه داری میبرند از آنجا که این فشار را نمیکنند و اگر درست دقت بفرمایند روح قانون ۲۳ جوزا در همان چیزی است که از مودیان بیچاره میگیرند و ما هنوز مودیان متردی در این چندساله ندیده و نشنیده ایم مثل اینکه خودم در گیلان و بعضی جاهای دیگر بوده و دیده ام که هر مأموریکه از طرف دولت می آید هر چه مطالبه کرده داده اند و بنده این قانون تشکیلات را کاملاً ملاحظه کرده ام و ابتدا رفع آن فشار و اختیاراتی که در قانون ۲۳ جوزا بوده است نکرده است فرمایشات آقای مخبر هم که بنده راقانع نکرد نمیدانم سایر آقایان راقانع کرده است یا خیر.

مخبر - عرایض بنده اگر آقارا قانع نکرد فرمایشات ایشان هم دراصل قانون نبود که کسی را قانع کند.

معتصم السلطنه - اینکه آقای مخبر اظهار داشتند در این قانون باید آن نظریا داشته باشیم که با قانون مرکزی مطابق بکنند بنده خاطر محترمشان را متذکر میکنم که هنوز معلوم نیست در آن قانون تشکیلات مرکزی هم نظر موافقتی باشد بنده که یکی از نمایندگان با کلیات آن تشکیلات هم مخالفم و عرایض را در شور دوم خواهم کرد اینکه می فرمایند خزانه مثل سابق نیست و اختیارات از خزانه دار گرفته شده است اینطور نیست فقط به چند کلمه قناعت شده است که (پس از رسیدن حوالجات بتصویب کمیسیون تطبیق و الحجات و امضای وزیر مالیه) ولی در سایر مواد گمان نمیکنم اختیاری برای وزیر باشد و هیچ فرقی نکرده خود آقای مخبر هم از ترتیبات ولایات بغوی مسبق هستند و تصدیق خواهند فرمود که در اقصی بلاد ایران این قانون تشکیلات چه سوء اثری خواهد داشت دیگر اینکه فرمودند اعضایی که برای ولایات لازم است باید از یک اداره معین شود بنده باین قسمت موافقم ولی نه باین ترتیب که خزانه دار پیشنهاد کند اگر یک پیشکار مالیه در یک ولایتی برخلاف وظایف خودش رفتار کند البته چه اداره خزانه چه سایر ادارات می توانند خلاف او را برض وزیر برسانند تا وزیر او را معزول کند ولی اگر اجزائی بجهت ولایات لازم شود اداره پرسنل ده نفر یا پنج نفر را پیشنهاد میکند و از بین آنها وزیر هر کس را خواست انتخاب میکند چنانچه در سایر ادارات هم همینطور است و گمان اینست که محتاج به پیشنهاد خزانه داری نباشد مثلاً امروز رئیس اوقاف فلان محل فلان تقصیر کرده و او را منفسل میکنند آن وقت اداره پرسنل ده نفر یا پنج نفر را روی کاغذ میآورد که این آدم برای فلان کار خوبست یکی از آنها را وزیر انتخاب میکنند و می فرستند بنده تصور میکنم دائرة پرسنل فقط برای این کار است که کلیه اعمال و افعال مأمورین در آنجا ثبت میشود و موافق دفتری که در هر وزارتخانه موجود است که چه اعضایی دارد و خدمتشان چگونه بوده است وقتی که فلان محل خالی شد و یا برای مالیه خراسان کسی لازم شد رئیس اداره پرسنل اشخاصی را که لایق آن مقام هستند بتمام وزارت عرض میکند و وزیر او را انتخاب می نماید و اگر خلاصی کرد البته در موقع خودش رؤسای دوائر چه خزانه چه

تشخیص عایدات میتوانند برض وزیر برسانند و تصدیقات آن آدم را رجوع به مجلس مشاوره عالی نمایند و رسیدگی کنند چنانچه خلاف کارست معزول شود و این که فرمودند با این تشکیلاتی که در مرکز داریم از قبیل محاکمات و غیره باید توحش آقایان رفع شود بنده عرض میکنم خود آن محاکمات بیشتر اسباب توحش ما است زیرا فلان آدمی که امین مالیه از او سی تومان جرم گرفته است چطور می تواند از یک مسافت خیلی بعیدی تهران بیاید شکایت کند که فلان امین مالیه فلان مقدار از من پول گرفته است در صورتی که اگر خواسته باشد بیاید باید مبالغی خرج کند و دو سال هم معطل بشود و ربع صدی پنج مدعا را بدهد و مبلغی متضرر شود و بعد برود بنا بر این بنده بکلی مخالفم که از طرف خزانه داری پیشنهاد بشود و باید در هر موقعی که لازم شد اداره پرسنل آن آدم را معین کند و بنظر برسانند و حکم صادر شود.

مخبر - بنده عرایض خودم را تکرار نمیکنم فقط عرض میکنم در اینجا که میفرمایند باید اداره پرسنل امضاء را معین بکنند مثل اینست که گفته شود وزیر مختار ایران را در لندن اداره پرسنل وزارت خارجه باید معین کند اداره پرسنل یک وظائف اداری مخصوصی دارد اداره پرسنل باید اسامی اشخاص و مأموریت و وقایع خدمت آنها را ثبت کند نه اینکه مداخلات در کار وزیر یا غیره بنماید ولی در ضمن تعیین فلان مأمور فلان جا اگر اداره پرسنل مراجعه نمایند برای اینست که اگر یک مأموری از خارج برداشته شده باشد اداره پرسنل اسم چند نفر را معین می کند و هر یک را که لایق باشند و خوب امتحان داده باشند معین خواهد کرد و همین قضیه در پرسنل وزارت مالیه هم هست معلوم است وقتی قرار شد یک مأموری برای فلان ولایت تعیین شود اسم او از طرف اداره پرسنل تعیین میشود اعم از اینکه تعیین این مأمور به پیشنهاد خزانه باشد یا به پیشنهاد اداره دیگری بهرحال باید از اشخاصی باشد که اسمش در اداره پرسنل ضبط است پس این مسئله هیچ مربوط بهم نیست پیشنهاد کردن اداره پرسنل از جهت بودن اشخاص در فلان اداره است و پیشنهاد کردن فلان اداره از یک نقطه نظر دیگری است پس این دو نقطه نظر را نباید بهم مخلوط کرد اما اینکه فرمودند اگر یک امین مالیه در بعضی از ولایات جرمی از کسی بگیرد تکلیف آن آدم چیست بکجا برود و بنده عرض میکنم این ایراد باین قانون وارد نیست سابق چه میکردند در همان دورههایی که تعیین امانه و پیشکاران مالیه با وزیر بود مثلاً در (دره جز) اگر امین مالیه سی تومان از کسی میگرفت در آنجا محاکماتی بود عاقبت رجوع میکردند به مرکز بوزیر مالیه و در امورات او رسیدگی میشد چنانچه حقیقت داشت شاید معزول میشد اگر آنوقت معزول میشد حالا هم معزول میشد پس در اینصورت از آقایان خواهش دارم که بکفایتی دقت بفرمایند و قتیکه میخوانند یک قانونی وضع کنند یک اظهاراتی بنا ملت و تعدیات امنای مالیه که اصلاً از این قانون

موضوع مباحثه نیست نفرماید و يك اظهار منطقی بفرمایند و بگویند در اینجا فلان ایراد قانونی وارد است و خوب است همیشه مراعات نزاکت را بفرمایند بنده متأسف هستم از اینکه مخبر هستم و باید نظر کمیسیون دفاع را کنم و تصور بفرمایند که در باب تعیین صدور امانه و پیشکاران ماله در ایران بنده شخصاً ذینفع نباشم بلکه اغلب نمایندگان مسبقند که بنده از همه ذینفع ترم

رئیس - مذاکرات کافی نیست - (اظهاری نشد) رای میگیریم آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند (عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - کافی میدانند اگر مقصود آقایان پیشهاد است پیشهاد شده است

حاج شیخ اسدالله - چون آقای مخبر فرمودند

داخل در اشخاص در ضمن قانون گذاری نباید شد بنده هم داخل در اشخاص نمی شوم داخل می شوم در ترتیب قانون و نظریاتی که در این قانون راجع به تشکیلات ولایات دارم در اینجا برای تعیین پیشکاران و امانه ماله يك اختیاراتی بخرانه داری داده است صحیح است که قانونگذار نباید بخواهد کار داشته باشد ولی قانونگذار باید نظر بمقتضیات وقت داشته باشد و مقتضیات مملکت را بسنجد و به بیند این قانون بدست کسی اجرا می شود تمام این جزئیات را در ضمن قانون گذاری باید ملاحظه کند قانون فرانسه راما امروز در ایران نمیخواهم اجرا بکنیم و همچنین قانون ماله انگلیس را مانع توانیم در این مملکت جاری کنیم با اینکه تصدیق دارم خیلی خوب قانونی هم هست ولی از برای آن مملکت نه از برای این مملکت باز عرض میکنم قانونگذار باید مقتضیات محل را در ضمن قانون گذاری ملاحظه کند یعنی باید نظری هم بجری قانون داشته باشد میفرمایند اگر وزیر ماله نظارت تامه در این قانون بکند و بموقع اجرا بگذارد خیلی خوب قانونی نوشته شده است بله اگر قانون (۲۳) جوزا را هم يك وزیر می توانست کاملاً بموقع اجرا بگذارد اینطور نمیشد بنده عرض میکنم نمیتوانست نه اینکه تمدد کرده باشد که بموقع اجرا نگذارد اگر کاملاً بموقع اجرا میگذاشت باین اندازه هرج و مرج در عایدات مملکت نمیشد بنده عرض میکنم اختیار را بدست يك نفر خزانة دار دادن هیچ چیز خوبی نیست و ابتدأ تعیین پیشکاران ماله و امانه ماله را نباید بهنده خزانة دار گذاشت اگر چه در ذیل این عبارت نوشته شده (در صورتی که وزیر ماله بایشهاد خزانة داری مکل موافقت نداشته باشد تجدید پیشهاد خواهد شد) ولی بنده عرض میکنم بامال بایشهاد خزانة داری را قبول بکنند بواسطه این که فرضاً در مرتبه اول رد کرد در مرتبه ثانیه هم رد کرد آخرش چه عاقبت مجبور است پیشهاد او را قبول کند خزانة دار پیشهاد خودش را تجدید میکند معنی اینست که عاقبت باید وزیر ماله پیشهاد خزانة داری را بپذیرد و اینکه میفرمایند در اینجا نوشته شده بفرمان های مایونی منصوب میشوند این عبارت برای پیشکاران ماله يك تعارف بسیار خوبی است یا آنکه تصریحی نمی کنند عزلت میکنند و هكذا وزارت خارجه ما که بگذردی سمت اداری دارد وزارت ماله هم به همین قسم است حالا ما مأمورین و پیشکاران ماله ولایات

را با يك طرح تازه باید معین کنیم فلسفه آن را نمیدانیم چیست پیشکاران و امانی ماله را باید مثل رؤسای مرکزی که وزیر ماله معین میکند باید معین کنیم مثلا ادارات مرکزی یکی اداره تشخیص است رئیس او را کی معین میکند و همچنین ادارات دیگر را که در مرکز است البته وزیر معین میکند امانه و پیشکاران ماله ولایات و رؤسای مرکزی در عرض هم هستند و باید وزیر معین کند باین ترتیب که اداره پرسنل که اسامی اشخاص را در کتاب و در دوسیه خود ضبط میکند بوزیر معرفی میکند و نظر و رأی هم ندارد اما اینکه میگویند خزانة داری پیشهاد می کنند این معرفی نیست این نصب است و نصب حق رئیس وزارت خزانه است مگر نصب اجزاء جزئی که هر اداره دارد والا نصب رؤسای باید بوزیر ماله بنماید و این پیشهاد خزانة دار که حالیه مطرح مذاکره است با این ترتیب تباین دارد زیرا از طرف پرسنل معرفی صرف است و از طرف خزانة دار نصب است آقای مخبر در ضمن بیاناتشان فرمودند که ما حق عزل را بوزیر داده ایم بلی این حق عزل منفعتی نمی بخشد بواسطه اینکه ما در دوره قبل دیدیم که مأمورین ما خرابی کردند و بعد از عزل هم به چوچه آن خرابیها تدارک نشد این که گفتند مجلس شورای ملی نبود بعد از اینهم ممکن است که همینطور بشود زیرا همیشه مجلس شورای ملی که نخواهد بود ۲ سال هست و بعد باز ۲ سال میکشد تا مجدداً مفتوح شود و اینکه فرمودند قانون ۲۳ جوزا را اگر روزها بود اجرا میکردند اینطور نمیشد عرض میکنم این قانون هم بماند این آنطوری که باید اجرا شود نخواهد شد ماحکات آنرا کرده ایم میگوئیم يك زهری بکسی میدهم بخورد بعد دوا میدهم چاق میشود دای نداریم يك کاری بکنیم که مجمل و مشتبه باشد که فرمایش بعدا کلمات و عزل بشود بده آقای مخبر يك فرمایش علمی در کمیسیون فرمودند و آن این بود که باین ترتیب که مأمورین و پیشکاران ماله هیچ در تحت نظر خزانة داری نباشد لازم میشود مخارج بموقع بشود و تقشیر در مخارج نباشد بمقیده بنده این بیانات هر چه میشود تکرار است

رئیس - باید در موقع توضیح دادن فقط راجع به پیشهاد توضیح داده شود نه اینکه داخل در اصل مطلب شد

مخبر - اینکه میفرمایند مأمورین ماله مثل سایر وزارت خانه ها معین شود عرض میکنم ترتیب وزارتخانه ها مختلف است و هر وزارتخانه يك ترتیبی دارد مثلاً در وزارت پست اگر اینطور بشود تصدیق خواهد شد بواسطه اینکه اختیارات فوق العاده بوزیر ماله داده نشده است و بعد از آنی که امانه یا پیشکاران ماله بهر نقطه گرفتند مطابق تشکیلات مرکزی روابطش را تمام ادارت معین است هم روابطی با خزانة داری هم با وزارت ماله بجهت اینکه صورت عایدی خودش را باید آخر هر برج بخرانه داری فرستد از آنطرف هم با اداره محاسبات معین است که در آخر هر برج باهرام صورت محاسبات خودش را میدهد و اداره محاسبات هم از جمع و خرج و بودجه اطلاع پیدا خواهد کرد همچنین بمقیده بنده باید يك صورتی هم بدارد مطابق حوالجات بفرستد چنانچه سابقاً هم عرض کرده و حالا داخل در آن موضوع نمی شوم

خلاصه با آن هرابضی که کرده تصور میکنم نه خزانة داری اختیار دارد و نه محاسبات و نه اداره تشخیص عایدات و نه وزیر ماله و از روی يك ترتیب صحیح معین شده است و بهمان ترتیبی که عرض کردم این امر بماده اداره مشاوره مالی است و هیچ اشکالی هم ندارد و خلاف منطق و خلاف ترتیب قانون گذاری هم نخواهد بود

محل الدوله - بخلاف انتظار بعضی از آقایان

بنده اظهار موافقت میکنم و تصحیح میکنم آن خیلی را که برای بعضی از آقایان پیش آمده است که اظهار مخالفت میکنند زیرا يك دلالت ثابت و موجهی پیش بنده هست که اگر عرض کنم آن وقت باین شکل که میخواهند این قانون بگذرد ما مورد تنقید و ملامت نخواهیم بود و دیگر آقای آقاسید فاضل استرحام نمیفرمایند و در ضمن فرمایشاتشان نمیفرمایند مروت کنید انصاف کنید يك ترتیبی در قانون بنویسید که برای ملت مفید باشد بنده میدانم معنی اینها چه چیز است در صورتی که ما اینجا آمده ایم قانون بنویسیم فقط نقطه نظر ما این است که مردم از تعدیات امانه و پیشکاران ماله محفوظ بمانند نمایان آن اشخاصی که بجزر شنبین اسم خزانة داری بکلی از ماله مملکت و انتظام مملکت و از اصول تشکیلات مالیاتی مملکت که روح دولت و روح مملکت و سلطنت است صرف نظر مینمایند چه در نظر دارند که بعضی شنبین اسم خزانة داری با کلیه این قانون مخالفت میکنند با عبارتش مخالفت میکنند با طرح مخالفت میکنند باید دقت برای چه قانون (۲۳) جوزا را وضع کردیم بنده هیچ محتاج نمایانم که فلسفه آن را بطور تفصیل بیان کنم اگر عرض کنم بطور اختصار است آن وقت که قانون ۲۳ جوزا را وضع کردیم دو قسم تکلیف برای خزانة داری معین کردیم يك قسمت از تکلیفی که راجع بخرانه داری بود این بود که در وزارت ماله يك تشکیلات اداری بدهد و يك مأموریت دیگرش رساندن حوالجات و جمع آورنده عایدات و چه بود که ما بعد از خرابیهای متمادی که نسبت بماله مملکت ما وارد شده بود خواستیم از آن افراط و تفریطها جلوگیری کنیم ولی متأسفانه بواسطه نبودن مجلس و وزراء لاین پیشرفت نکرد و ما آن وقت که حق تقشیر و رسیدگی و فلان و بهمان را بيك نفر خزانة دار دادیم همچو تصور میکردیم که همیشه این مجلس شورای ملی خواهد بود و اگر نخواهد سوه استعمال کند چنانچه در بیست و شش یا در ۲۸ حوت نسخ کردیم هر وقت بخواهیم آن قانون را نسخ میکنیم عیبی کلیدا کرد این بود که مجلس نبود چون مجلس مجلس نبود و زواجلیات جلو گیری از آن سوه استعمال را نداشتند و ابتدأ از اوسوال نکردند که چرا این مواد را سوه استعمال میکنی والا آن قانون برای اداره کردن وزارت ماله خیلی نتایج خوبی داشت حالا ما از آن مطلب صرف نظر میکنیم و حالا الحمد لله مجلس مقدس شورای ملی منعقد است و همانطور که در ۲۶ حوت قانون ۲۳ جوزا را نسخ کردیم اگر چنانچه يك وزیر ماله دیدیم کفایت اجرای این قانون ک نوشته شده است ندارد یا سوه استعمال کرد او را بر میداریم و يك وزیر دیگری بجای او میگذاریم و قتیکه اینطور شد البته وزیر ماله داوطلب خواهد شد که بتواند این قانون را حسن

استعمال بکنند پس چون مجلس هست و این قدرت در دست ماست نباید از لفظ خزانة داری آنقدر وحشت کنیم این ترتیب باین مثل يك کسی است که باغبانی داشته باشد و يك وقتی مسافرت بکند و باغبان عوض اینکه آب بدهد درختهای او را بکند و بسوزاند پس باید گفت که دیگر اسم باغبان را نباید بردخیز باغبان لازم است ولی چون صاحب او نبوده باغبان آن درخت هارا سوزانده و کنده است والا اگر بود گل کاری میکرد پس این خرابیها از لفظ خزانة دار نبود از نبودن صاحب بود بنده عرض میکنم نمیتوان تمام جزئیاتی که در کار اداره میشود در قانون ذکر کرد برای جلوگیری از بعضی ترتیبات هم ما يك پیش بینی کرده ایم و آن نظامنامه هائی است که برای وزارت ماله خواهیم نوشت و آن نظامنامه از جزئیات چیزهائی که در قانون پیش بینی نشده است جلوگیری میکند مثلاً در مسئله پیشهاد خزانة داری که موضوع بحث شده است و ما تصور میکنیم از سوه پیشهاد بعضی خرابیها وارد خواهد شد همان مطلب را با اداره پرسنل هم می توانیم تصور کنیم که اگر پرسنل يك شخصی فاسد یا يك شخصی مقتمدی شد یعنی شخصی شد که ما می ترسیم همان مفاسد را دارد و حال آنکه چرا باید بترسیم ما تمام ادارات را در تحت امر وزیر نوشته ایم اداره خزانة داری اداره محاکمات و اداره پرسنل همه را در عرض هم متساویاً در تحت امر وزیر ماله فرض میکنیم بر فرض يك خزانة دار که همانوز تشخیص نداده ایم ایرانی باشد یا اروپائی زیرا اختیار در دست خودمان است و با خود وزیر ماله است که مسئولیت اداره کردن ماله مملکت را بعهده گرفته است مثلاً فرض می کنیم خزانة دار يك کسی باشد که آدم خوبی نباشد ما که اینجا نشسته ایم فوراً از وزیر ماله سؤال میکنیم که فلان امین ماله در فلان جا حرکت بی فاعده را کرده است وقتی که این خبر بما رسید جداً وزیر ماله ناچار است آن امین ماله را از آنجا بردارد میگویند بواسطه اینکه در تحت نفوذ خزانة داری است مخالفت خواهد کرد فوراً خود خزانة دار را بر میدارد و معزول میکند کجای این قانون نوشته شده است که او حق ندارد رؤسای ادارات خودش را معزول کند باین اختیاریکه مجلس باو داده است هر وقت یا هر ساعتی به بیند بوظیفه خودش عمل نکرده آن اختیار را از او سلب خواهد کرد یعنی هر ساعت که او بوظایف یا انتظامات خودش عمل نکرد او را تحت محاکمه میکشد بمشاوره عالی رجوع میکنم و پس از ثبوت تصدیق او را عزل می کنند دیگری را می گمارد چون وزیر ماله مسئول ما است او باید این مسئله را انجام بدهد در واقع روح تشکیلات ماله تشکیلات ولایات است چون امر دادوستد از ولایات انجام میشود و صده مواد تشکیلات ولایات هم این ماده است در واقع روح قانون ماله مربوط به همین قسم است و بس اگر بحث زیادی در اینجا بشود يك چیز زیادی نخواهد بود در نظامنامه هائی هم که بعد از اینجا مینویسیم برای این ادارات حتماً در آن نظامنامه ترتیب امتحانرا باید بنویسیم چون امتیاز فاضلی شرط است ببدلیل این که امور ماله یکی از امورات مهم فنی است که باید کلیه حساب بدانند معلومات داشته باشند امتحان داده باشند دیانت و امانت داشته باشند و پیشکاران ماله ما معتبر باشند و شکسته

نباشند و ل کرد نباشند تمام اینها يك چیزهائی است که باید در نظامنامه وزارت ماله نوشته شود در این صورت اگر موافقت بکنند باید کمیسیون قوانین ماله را صبح و عصر تشکیل بدهیم و باین کار رسیدگی کنیم و نظامنامه هارا بنویسیم بدست وزیر ماله هر کس میخواهد باشد وزیر ماله هم که مستظهر بمجلس است با کمال قدرت آنرا اجرا میکند در خاتمه عرض میکنم خوب است بگذردی وقت بکنند و التفاتی بفرمایند که این قانون را خیلی زود بگذرانیم و در جزئیات آن که عجلاننا موضوع بحث نیست در اینجا مذاکره نکنیم که وقت مجلس تضییع نشود

رئیس - حالا مذاکرات را آقایان کافی میدانند (اظهاری نشد)

رئیس - سه فقره پیشهاد رسیده است یکی از طرف آقای مدرس و یکی هم از طرف آقای آقاسید فاضل يك پیشهاد دیگر هم هست که چهار نفر امضاء کرده اند قرائت میشود (پیشهاد آقای مدرس بهضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشهاد میکنم بجای ماده هفتاد این قسم نوشته شود (پیشکاران ماله بر حسب پیشهاد اداره پرسنل و تصویب وزیر ماله و فرمان های مایونی و امانه ماله بر حسب پیشهاد اداره پرسنل و حکم وزیر ماله در خصوص ماله معین میشوند)

رئیس - پیشهادی هم که بامضای چهارده نفر رسیده همین است (بهضمون فوق قرائت شد)

رئیس - پیشهاد آقای آقاسید فاضل قرائت میشود (بهضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشهاد میکنم ماده هفتاد چنین نوشته شود (پیشکاران و امانه ماله بر حسب پیشهاد اداره پرسنل و تصویب وزیر ماله و فرمان های مایونی در خصوص پیشکاران و حکم وزیر ماله در خصوص امانه ماله معین میشوند و دائره پرسنل مکلف است که آراء مشورتی رؤسای اداره تشخیص عایدات و خزانة داری محاسبات کل را در تعیین پیشکاران و امانی ماله تحصیل نموده و به پیشهاد خود ضمیمه نمایند

رئیس - پیشهاد آقای آقاسید فاضل هم همان پیشهاد اولی است که قرائت شد بضمیمه يك جزئی اختلاف عبارتی حالا مسترد میدارید یا باید رای بگیریم

آقاسید فاضل - مسترد میدارم

رئیس - پس همان پیشهاد اولی را باید مطرح مذاکره قرارداد آقای مخبر توضیحی دارید

مخبر - توضیح بدهند بعد عرض کنم

مدرس - اگر چه گمان میکنم هر چه در این موضوع مذاکره کنیم معنا تکرار خواهد بود ولی چون اشاره به بعضی مطالب شد عرض میکنم اولاً ما نمایانیم باید طرح تازه در کار ماله بکنیم با بهمان طریقی که مرسوم است باید رفتار کنیم مثلاً ما چند وزارتخانه داریم وزارت پست و تلگراف داریم وزارت داخله داریم اینها هر کدام يك مأموریتی دارند مأموریتشان را بطور معین میکنند مثلاً تلگراف خانه يك وزارت خانه است بترتیب اداری اداره میشود يك مأموری دارد که محل اشخاص را ضبط کرده است و شخص خوب و بد را تمیز میدهد بعد از آنکه میخواهد مأموری برای جائی معین کنند اداره پرسنل بوزیر

پیشنهاد میکنند وزیر معین میکند مدتی هم میکندد یا تصریحی میکند نه اینکه اثری در تعیین امانه و پیشکاران ماله داشته باشد خلاصه اش اینست که اختیار را بدست خزانة میدهیم میفرمایند در ضمن تشکیلات مرکز بعضی وظایف برای خزانة داری معین شده است و اختیار وصول و خرج بعهده او واگذار شده است بنده عرض میکنم هنوز هم معلوم نیست آن اختیار را مجلس برای خزانة دار تصویب خواهد کرد یا نه بر فرض اینکه تصویب هم بکند این اندازه اختیاری که در تشکیلات ولایات بخرانه داری داده شده است در ضمن تشکیلات مرکزی داده نشده است و در آنجا فقط میگوید خزانة داری مأمور جمع آوری عایدات مملکتی است و آنها هم قسم مختلفه دارد یکی آنست که عایداتی را که مأمور ماله از محل دریافت کرده از آنها دریافت میکند و جمع میکند این از وظیفه خزانة داری است البته باید اینکار را بکند که اگر هر آینه در آخر هر برج و در آخر هر ماه صورت آن عایدی خودش را بخرانه داری نداد خزانة دار باید در کمال سختی مطالبه عایدات را بکند مگر اینکه پیشکار ماله مدلل بدارد که هنوز عایداتی از محل وصول نشده است آنوقت يك ترتیب دیگری دارد این اندازه اختیارات را خزانة داری دارد اما بکلی اختیار امانه و پیشکاران ماله را بخرانه دار دادن بکلی غلط است و تصور نمیکند در هیچ مملکتی هم اینطور باشد که جمع و خرج را بدست خزانة دار بدهند به تصدیق دارم که اگر آن وضع قدیم هم که آقای مخبر فرمودند خوب بود که وزیر ماله بفعل مایشاء بود دیگر محتاج باین ترتیب نمیشدیم چون وضع قدیم را خوب ندیدیم و دیدیم که وزیر ماله ما ماله مملکت را حراج نمود مجبور شدیم قانونی بگذاریم که دیگر مثل سابق نشود این راهم بنده تصدیق دارم و حرفی ندار اما از آنطرف هم آن اختیارات را بکلی بخرانه دار دادن صحیح نیست و البته ماله گرفتن و دادن بخرانه دار صحیح نیست و البته خودتان تصدیق خواهید فرمود که غلط است پس چه باید بشود اگر يك اداره جمعی در این قانون بود این وظیفه اداره جمع بود ولی در اینجا صحبت شد که اگر اداره جمع را بچیده در این قانون اضافه بکنیم يك مخارج فوق العاده بر بودجه مملکتی تحمیل میشود این را قبول دارم ملاحظه صرفه و اقتصاد شده است پس نه اختیارات را بدست ماله وزارت ماله باید داد نه بدست خزانة داری ممکن است مطابق ترتیبات اداری سایر وزارتخانه ها باشد چنانکه در وزارت عدلیه هم همین معمول شده است تعیین و نصب قضاة و اعضاء عدلیه مطابق يك امتحانی و برای مجلس مشاوره عالی است چرا این ترتیب در وزارت ماله نباشد رجوع بکنند بمجلس مشاوره عالی رؤسای ادارات برای رسیدگی باشخاص داوطلب خدمت خزانة داری مشاوره کنند و بسابقه اعمال اشخاص و بمعلومات و اخلاق و افعال آنها رسیدگی نمایند بعد از اینکه رسیدگی کردند در اینجا بکرائی اتخاذ میشود و آن رای را پیشهاد وزیر میکنند و تعیین آنها را بخیار وزیر میکنند در وزارت پست و تلگراف را بکطور تعیین میکنند در وزارت داخله طور دیگر و در وزارت عدلیه بطرح دیگر وزارت خارجه هم بطریق دیگر پس در همه وزارت

خانهها تعیین مأمورین يك حال ندارد و اینکه میفرمائید پیشنهاد خزانه داری نصب است و مقصود هم از پیشنهاد معرفی است و میفرمایند آنهم وظیفه اداره پرسنل است برای رفع شبهه عرض میکنم که آقا پیشنهاد کنند (بمعرفی خزانه و تصویب وزیر معین شوند) بنده این پیشنهاد را می پذیرم برای آنکه تصور نفرمایند مقصود نصب است اختیار نصب با وزیر مالیه است و مقصود معرفی است اداره خزانه که يك کسی را پیشنهاد می کنند لیاقت او را برای يك رسمیتی معرفی می نماید و اداره خزانه حق دارد این پیشنهاد را بکند برای اینکه يك توافق نظری بین اداره پیشنهاد کننده و وزیر مالیه باید باشد و چون خارج از موضوع پیشنهاد نمیخواهم بشوم بطور اشاره عرض میکنم که آقایان قسمت خرجی را که برای خزانه داری معتقد هستند تصور نفرمایند و راه حلی برای بنده پیدا کنند آن وقت بنده دیگر عرضی ندارم این مأمورین که معین میشوند اگر مستقیماً به میل وزیر و معرفی اداره پرسنل باشد آن وقت تفتیش که اول وظیفه اداره خزانه است باید بتوسط کدام مأمور بشود این را درست دقت نفرمائید بعد اگر حرفی دارند جوابش را عرض میکنم

رئیس - پیشنهادی است از آقای حاج شیخ اسدالله و پیشنهادی از طرف آقای عدل الملک که تقریباً مضمونشان یکی است و یکی هم از آقای حاج شیخ حبیب الله - پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که ماده هفتاد این قسم نوشته شود (بیشکاران مالیه بر حسب پیشنهاد دائره پرسنل و تصویب هیئت مشاوره عالی و فرمان همایونی و امنای مالیه بر حسب پیشنهاد دائره پرسنل و تصویب هیئت مشاوره عالی و حکم وزارتی معین میشوند) پیشنهاد آقای عدل الملک نیز بمضمون ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که ماده هفتاد این طور نوشته شود (بیشکاران مالیه به پیشنهاد اداره پرسنل و تصویب مشاوره عالی و حکم وزارتی و فرمان همایونی منصوب و در نصب امنای مالیه به پیشنهاد پرسنل و تصویب مشاوره عالی و حکم وزارتی اکتفا میشود) (پیشنهاد آقای حاج شیخ حبیب الله بمضمون ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد می نمایم که ماده هفتاد اینقسم نوشته شود (بیشکاران مالیه بر حسب پیشنهاد خزانه داری کل و تصدیق وزیر مالیه و فرمان همایونی معین میشوند مادامی که خزانه مسلمان و تبه ایران بوده باشد

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله توضیح بدهند ولی مختصر باشد

حاج شیخ اسدالله - بنده نظرم در این پیشنهاد این بود که بعد از اینکه دائره پرسنل پیشنهاد کرده و هیئت مشاوره عالی هم تصویب کرد و حکم یا فرمان صادر شد تمام نظریات در این ترتیب جمع شده دیگر محتاج بتصویب خزانه داری نیست زیرا در آن هیئت مشاوره عالی تمام رؤسای ادارت جمع هستند رئیس خزانه داری هست رئیس تشخیص عایدات رئیس کمیسیون تطبیق حوالجات

و رئیس محاسبات هستند بعد از اینکه سابقه عمل آن شخص را رئیس پرسنل اظهار کرد تمام این نظریات در اینجا جمع شده هم سوابق اعمال آنها که در اداره پرسنل هست و هم نظریات سایر رؤسای ادارات که در آنجا نظر کرده اند و وزیر مالیه هم که در آن هیئت ریاست مستقیم دارد و در این صورت بنظر بنده تمام آن اشکالات کدر اینجا میشود دیگر آنوقت نمیتواند نفرمائید رئیس خزانه در باب امنا و بیشکاران مالیه در صورتیکه مأمور جمع آوری عایدات است هیچ نظری نداشته زیرا در آنجا هم نظر اوست و هم نظر سایر رؤسای ادارات و بان چیزی هم که مالز آن ترسان و گریزانیم گرفتار نمیشویم

رئیس - پیشنهاد آقای حاج شیخ حبیب الله طوری واضح است که دیگر توضیح لازم ندارد اول رای میگیریم در پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله و آقای عدل الملک آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد - ماده (۷۱) قرائت میشود (باین مضمون خوانده شد) :

ماده (۷۱) جمع آوری عایدات دولت و وصول مالیاتها مطابق دستورالعملها و جزء جمعی اداره کل تشخیص عایدات بر عهده بیشکاران و امنای مالیه است

رئیس - در اینجا مخالفی نیست - (اظهاری نشد و ماده ۷۲ بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده (۷۲) تأدیبه مخارج دولتی مطابق بودجهها و اعتبارات مصوبه پس از رسیدن حوالجات آن مخارج بتصویب کمیسیون تطبیق حوالجات و امضاء وزیر مالیه بر عهده بیشکاران و امنای مالیه است

حاج شیخ اسدالله - بنده در اینجا توضیحی از آقای مخبر میخواهم که این حوالجات که برای بیشکاران مالیه میروند آیا باید خزانه داری در اینباب نظری داشته باشد یا فقط همان اداره محاسبات که آن حواله را صادر میکند بدون اینکه بخزانه داری برود یا بنظر او برسد همینکه وزیر مالیه امضاء کرد مستقیماً نزد امنای مالیه میفرستد بنده تصور میکنم که باید اینگونه حوالجات از مجرای خزانه داری سیر کنند و باید خزانه داری نظری داشته باشد بجهت اینکه دستور از طرف خزانه و بواسطه آن صورتی که از عایدات و مخارج در آخر هر برج بخزانه داده میشود باید از این حوالجات مطلع باشد و امضاء کند

مخبر - این وظیفه را نمیشود از خزانه داری سلب کرد که پرداخت مخارج با خزانه نباشد معلوم است باید خزانه دار هم اطلاع داشته باشد

ارباب کیهنخسرو - بنده در این تبصره ملاحظه داشتم در اینجا تئیهی که برای بیشکاران و امنای مالیه معین میکنند اینست که اگر تجاوز کنند و برخلاف قانون يك مبلغی از مالیه دولت را خرج کنند فقط مسئول وجه خواهد بود یعنی آنچه که خرج کرده است بعد از اینکه معلوم شد ببقاعده خرج کرده پس بدهد بنده بهتر میدانم که بیشکاران مالیه اگر يك تجاوزی برخلاف قانون بکنند به علاوه از مسئولیت وجه يك مجازاتی هم داشته باشند و اگر تئیهی غیر از این معین نشود هر کس بیشکار مالیه شود بتصور

اینکه اگر خلاف او معلوم و ثابت شد فقط يك مبلغی از او خواهند گرفت يك کارهایی خواهند کرد که برای دولت اسباب زحمت خواهد شد خوبست آقای مخبر توضیح بدهند که مقصود چیست

مدرس - بنده با اظهاری که آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند موافقم و باید این حوالجات بتوسط خزانه داری بیشکاران مالیه برسد چون تمام مالیه پیش او جمع میشود باید حوالجات هم بتوسط او پرداخته شود

رئیس - پیشنهاد بکنید تارای گرفته شود

محمد هاشم میرزا - بنده با فرمایشیکه آقای ارباب فرمودند موافقم ولی مقصود این نیست که فقط برای آنها هم بقدر مجازات قرار داده شود که پول را پس بگیرند بلکه سابق این ماده اینست که اگر پول را برخلاف قاعده خرج کنند مسئول آن پول هستند و در ماده بعد مینویسد که مأمورین و بیشکاران مالیه که خلاف امور اداره رفتار میکنند بمجلس مشاوره عالی رجوع شده و البته در خور مسئولیت آنها يك مجازا خواهد شد و در صورت تصحیر مجازات خواهند شد ولی سابق این ماده اینطور است که اگر این ترتیب خرج کنند مسئول وجه خواهد بود و الا اثبات شئی نفی ماعدا را نمی کند و مجازات آنها در ماده بعد ذکر شده است

رئیس - مذاکرات گویا کافی باشد آقای مدرس پیشنهادی کرده اند قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم که در آخر ماده (۷۲) چنین نوشته شود (بتوسط خزانه داری بر عهده بیشکاران) الی آخر

رئیس - آقای مخبر این پیشنهاد را قبول میفرمائید یا رد میکنید

مخبر - بلی مراجعه نفرمائید بکمیسیون (ماده ۷۳ بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده (۷۳) دادن صورت کلیه محاسبات اعم از عایدات و مخارج و وجوه تحویلی در آخر هر برج بداره خزانه داری کل و محاسبات کل از وظایف حتمیه بیشکاران و امنای مالیه است

رئیس - در این ماده ۷۳ مخالفی هست یا نیست

حاج شیخ اسدالله - بنده آن نظری که سابق در قانون تشکیلات مرکزی داشتم تجدید میکنم و گویا آقایان همه این نظر را داشته باشند و تصور میکنم آقای مخبر هم آنروز خودشان قبول کردند بعقیده بنده باید یک صورتی در آخر هر برج از طرف بیشکاران و امنای مالیه برای کمیسیون تطبیق حوالجات فرستاده شود که مسبق باشد از آنچه در خزانه موجود است که در موقع تطبیق حوالجات زیادتر از ماخذ موجودی خزانه تصدیق و امضاء کنند اگر چه شاید خود خزانه داری مکلف باشد صورت موجودی خودش را بکمیسیون تطبیق حوالجات بدهد ولیکن علاوه بر این کمیسیون تطبیق حوالجات باید يك اطلاعاتی هم از مأمورین مالیه تحصیل کند

حاج عز الممالک - آقای حاج شیخ اسدالله با ذر و وظایف ادارات مرکزی که گذشت اشتباه میفرمایند برای اینکه کمیسیون تطبیق حوالجات وظیفه اش رسیدگی بحساب امنای مالیه و بیشکاران مالیه نیست محاسبه بطور مفصل از عایدات مختلف

و مخارج مختلف هر چه باشد نوشته میشود و اداره محاسبات کل فرستاده میشود منتهی صلاح این بود دو نسخه باشد یکی بخزانه داری و یکی بداره کل محاسبات فرستاده شود تا این دو اداره از عایدات هر ولایت مسبق باشند کمیسیون این حواله و این اعتباری را که يك وزیر یا يك وزارت خانه خواسته است تطبیق میکنند برای اینکه به بیند در حدود بودجه هست یا نیست و بایستی داده شود یا خیر و تصدیق صحت آن حواله را میکنند اداره محاسبات و خزانه داری باید بدانند در فلان ولایات پول داریم یا در مرکز ممکن است پرداخته شود اگر کمیسیون تطبیق حوالجات را ما بخوایم مکلف برسیدگی حساب هر ایالت و ولایاتی بنمائیم اولاً او خواهد توانست اینکار را بکند و موفق نخواهد شد و بعلاوه باید تصدیق کنیم که در هر ایالت و ولایت يك جمع و خرجی هست و صورت آن را هم بداره محاسبات و هم بخزانه داری میفرستد و بحساب آنها رسیدگی میشود اگر برای اینست که خوب در وظایف بیشکاران مالیه دقت شده باشد و مسبق باشند ممکن است تصور کنیم يك صورتی هم بوزیر و يك صورتی بمجلس شورای ملی و اگر مقام عالی تری هم باشد یک صورتی هم بآنجا داده شود

حاج شیخ اسدالله - بنده باز مختصر عرض میکنم که نظرم این نبود که آقای حاج عز الممالک میفرمایند که در هر برج کمیسیون تطبیق حوالجات رسیدگی بحساب جمع و خرج امنای مالیه و بیشکاران مالیه بکنند چون حوالجات اعم از اعتباری و مستقیم بکمیسیون تطبیق حوالجات میروند باید آن کمیسه حوالجات را امضاء میکنند بدانند که در خزانه امروز وجه موجودی مطابق این حواله که صادر شده هست یا نیست که يك وقتی يك حواله برای خزانه داری نرود و نکل بکند و بگوید پول نداریم و هر روز اسباب اختلاف میان این ادارات باشد باید کمیسیون تطبیق حوالجات اطلاع از موجودی خزانه داشته باشد و حوالجاتی که بخزانه میروند باید معلس موجود باشد که بپردازد این اطلاع از چه راه باید تحصیل شود از این راه که امنای مالیه صورت و وجوهی را که بخزانه داده اند بکمیسیون تطبیق حوالجات بفرستند حال دیگر آقای مخبر قبول می کنند تا نمی کنند نمی دانم

مخبر - این يك قرار داد خصوصی می شود ما بین خزانه و کمیسیون تطبیق حوالجات خوب است اگر مخالفی نباشد همین ترتیبی که در اینجا نوشته شده تصویب شود و خزانه بکسورت با او بدهد و فقط تطبیق حوالجات بخرد او واگذار شود

رئیس - گویا مذاکره کافی باشد - ماده هفتاد و چهارم قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده (۷۴) دادن اطلاعات راجه بجزو جمع های مالیاتی نقدی و جنسی و عایدات خالصجات بداره کل تشخیص عایدات از تکالیف بیشکاران و امنای مالیه است

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله در اینماده مخالف هستند

حاج شیخ اسدالله - بلی توضیح میخواستم اگر مخالف هم باشم نقص برای من نیست زیرا باید بفهمم و رای بدهم اینست که مخالفت خواهم کرد اینجا مینویسد که بیشکاران و امنای مالیه صورت عایدات نقدی و جنسی و عایدات خالصجات را باید به اداره کل تشخیص عایدات بدهند و حال آن که اداره خالصجات را مستقیماً جزو اداره تشخیص عایدات قرار داده اند میخواستم توضیح بدهند که مقصودشان از این که باید صورت بآنجا بدهند چه چیز است و حال آن که مستقیماً در تحت نظر همان اداره قرار داده شده است

مخبر - مقصود آقا را نفهمیدم وقتی که برای امنای و بیشکاران مالیه حدودی معین شد و بکامورین مستقلمی بودند مجبورند اطلاعات خودشان را بدارت مربوطه بدهند اعم از این که اداره کردن خالصجات مربوط بداره تشخیص عایدات باشد یا نباشد اداره تشخیص عایدات باید يك اطلاعی از آن حاصل کند و اگر آقای حاج شیخ اسدالله میفرمایند از برای اداره کردن خالصجات هم باید مأمور مخصوصی در ولایات باشد اینطور نیست بواسطه این که خالصجاتی که دولت در ولایات دارد اگر اجازه داده نشده باشد و مستاجر معینی نداشته باشد خود دولت اینجا را بتوسط بیشکاران مالیه اداره میکند و ممکن است اداره مرکزی اطلاع از عایدات اینجا نداشته باشد باین جهت بیشکار مالیه مکلف است از عایدات آنجا هم اطلاع بدهد

رئیس - دیگر کسی مخالف نیست - دو فقره پیشنهاد شده است که بعد از ماده ۷۴ بتواند ماده الحاقیه نوشته شود یکی از طرف آقای حاج شیخ یوسف است و دیگری از طرف آقای محمد هاشم میرزا

(پیشنهاد آقای حاج شیخ یوسف بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که این ماده را بقانون تشکیلات اضافه نمایند (برای رسیدگی بشکایات از مأمورین و بیشکاران و امنای مالیه در مجلسی مرکب از روسای ادارات و دو نفر از مطلعین به اوضاع مالیه معنی تشکیل میشود و حکومت محلی مأمور به تشکیل این مجلس خواهد بود)

(پیشنهاد آقای محمد هاشم میرزا بمضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم این ماده الحاق شود بعد از ماده ۷۴ در ولایاتی که محکمه مالیه دائره نیست اگر شکایت کنندگان تقاضای رسیدگی در محل را بنمایند محکمه مالیه مرکزی میتواند دستور دهد که مجلسی مرکب از چهار نفر از معتمدین محل در تحت ریاست یکی از مأمورین دولت که صلاح بداند تشکیل شود و با اظهارات طرفین رسیدگی نموده صورت مجلس نوشته بمحکمه مالیه مرکزی بفرستد تا حکمی که لازم است داده شود

رئیس - آقای حاج شیخ یوسف توضیحی داریند

حاج شیخ یوسف - اقوی دلهای که لازم

نمود مجلس شورای ملی قانون ۷۳ جزو را نسخ کند و این قانون تشکیلات را وضع کند شکایاتی بود که در ولایات مردم از مأمورین مالیه داشتند بنده مشاهده میکنم که در این قانون نوشته میشود مجلس مشاوره عالی بتصویبات مأمورین و امنای مالیه رسیدگی خواهد کرد مردم از ولایات بعیده مثل بندر عباس یا يك نقطه از آذربایجان که این اندازه بمد مسافت دارند چطور میتوانند در مرکز حاضر شوند و تظلمات خودشان را اظهار بدارند و رفع ظلم از آنها شود در حالی که تمام تظلمات مردم را بخم مأمورین محلی است اگر بخوایند تظلم خود را بمرکز بکنند لابد باید تحمل شاقی بکنند والا از حقوق خودشان صرف نظر بکنند یا اینکه يك تلگرافی بکنند که در جرئت خیلی دینه میشود و حضرت رئیس مسبق هستند که از تخطیبات و تجاوزات مأمورین مالیه شکایت از بلاد می رسد که بنده با اطلاع ایشان رساننده ام و بوزارت خانه ارجاع کرده اند و ابدأ هیچکدام را جواب نمیدهند بنده عقیده ام اینست موقبت منحصر باین است که برای آسایش مردم در بلاد يك همچو ماده قانونی در این تشکیلات وضع کنیم

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا توضیح می دهید

محمد هاشم میرزا - بنده در پیشنهاد خودم توضیح دارم

رئیس - معلوم است در پیشنهاد دیگری نمی خواهید توضیح بدهید

محمد هاشم میرزا - آخرین فکری که برای اصلاح امور مالیه شد این بود که يك محاکماتی در هر جای مملکت يك محاکماتی تشکیل شود که بشکایاتی که میشود رسیدگی کند و خیلی هم باین آرزو جد داشتم بعد که حساب کردم دیدم ممکن نیست و بودجه مملکتی باین ترتیب اجازه نخواهد داد و مخارج گزافی برای اینکار فراهم خواهد آمد بعد قانع شدم باینکه ایالتی باز دیدم بعضی نقاط دیگر میباید عاقبت آن فکری که برای آقای حاج شیخ یوسف دست داده بود برای بنده هم دست داد ولی در اینجا هم اشکال دیگری بنظر رسید و آن این بود که ممکن است بعضی از رؤسای ادارات بواسطه اینکه مواجیشان در دست امین مالیه است بعضی مطالب بین آنها تولید شود و اسباب اشکال پیش بیاید بعلاوه تمام نقاط هم که مأمورین متعدد ندارد مثلاً بعضی جاها منحصراًست بيك نایب الحکومه یا يك کار گذار آنوقت این محکمه غیر متناسب خواهد شد و عده کافی نخواهد شد بالاخره قدر جامی که بنظر پرسید این بود که در هر يك از نقاط شکایت کنند خواهسته باشد شکایت کنند و در اینجا تشکیل محاکمات نشده باشد (حالا یک وقتی شاید دولت مطابق آرزوی بنده در تمام نقاط تشکیل محاکمات بکند معلوم است این پیشنهاد شامل آنوقت نیست) و تقاضای رسیدگی در محل بنماید در تحت نظر یک نفر از مأمورین دولتی که صلاحیت داشته باشد و محکمه مرکزی مناسب بداند يك محکمه تشکیل بدهد برای امضاء او هم هر چه فکر کردم دیدم اگر خواهسته باشم شرایطی قید بکنم شاید در بعضی ولایات

ممکن نباشد و محظوراتی پیش بیاید و اسباب اشکال بشود عاقبت بنظرم رسید چنانچه برای انجمن انتخابات معین کردیم و معتمدین محل درهرولایتی انتخاب میشوند اینست که معتمدین محل را پیشنهاد کردیم اما چرا محاکمات را بانها واگذار نکردیم دیدیم بعضی جاها هست که نمی توانند اطلاعات کامل داشته باشند شاید محاکمات عدل به ارباب محاکمات مالیه مخلوط کنند یا اینکه يك نظریاتی در محاکمات داشته باشند در تمام نقاط مملکت متناسب نباشد لهذا عقیده ام این شد و نوشتیم که در آنجا رسیدگی باظهار طرفین بکنند و صورت مجلس آنرا به محکمه مرکزی که بصیر مأمور مالیه است بفرستند تا رسیدگی کرده و حکمش را بدهد باین لحاظ این پیشنهاد را کردم و پیشنهاد خودم را از پیشنهاد آقای حاج شیخ یوسف اصح میدانم (پیشنهاد ایشان مجدداً قرائت شد).

مخبر - پیشنهاد آقای محمد هاشم میرزا را مراجعه بفرمائید بکمیسیون
رئیس - پیشنهاد آقای حاج شیخ یوسف چطور
مخبر - نه خیر
رئیس - پس باید رأی بگیریم بقبال توجه بودن ماده الحاقیه پیشنهاد آقای حاج شیخ یوسف آقایانی که قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده قلبی قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه نشد - ماده (۷۵) قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)
ماده (۷۵) رسیدگی بتقصیرات اداری و تخلفات قانونی و تجاوزات بیشکاران و امنای مالیه بر عهده مجلس مشاوره عالی است
رئیس - بغیر از آقای شیخ المملک دیگر مخالفی هست یا نه
شیخ المملک - پیشنهاد بنده را بخوانند
رئیس - اظهاری که دارید بفرمائید بعد پیشنهاد را میخوانند

شیخ المملک - مقصود بنده اینست که اگر مآقردی از حول و وحوش دارالخلافه دور برویم به بلاد بمیده این مملکت نظر داشته باشیم تصدیق خواهیم کرد که این ماده قانون که مینویسید رسیدگی به تجاوزات بیشکاران و امنای مالیه بر عهده مجلس مشاوره عالی است بیشتر سبب تجری بیشکاران مالیه و امنای مالیه در تعدی خواهد شد بعلت اینکه اشخاص بی بضاعت فقیر مثل کسانی که زارع و رهپند که باید بزراعت و رهبتی بپردازند اگر از هر کدام عتفاً و جبراً سی تومان و چهل تومان بگیرند آنها قدرت و استطاعتی نخواهند داشت کسی یا چهل منزل طی مسافت کنند و خودشان را بطهران برسانند و دوست سیصد تومان متضرر شوند باین لحاظ پیشنهاد بنده اینست که خوب است در همان محل يك محکمه از رئیس عدلیه آنجا نماینده حکومت و سایر روسای ادارات و دوسه نفر از معتمدین محل تشکیل بدهند و رسیدگی و صورت محاکمات را بر کز بفرستند

مخبر - مقصود از رسیدگی بشکایاتی که در این ماده نوشته شده شکایات مردم نیست و آنرا آقای محمد هاشم میرزا پیشنهاد کردند و بنام بکمیسیون مراجعه شود

ولی بتقصیرات اداری آنها يك کسی باید رسیدگی کند یا خیر - رسیدگی بتقصیرات اداری امین مالیه و مأمورین مالیه را که نمیشود به معتمدین محل رجوع کرد این راجع به تقصیرات اداری است و راجع بشکایات مردم نیست و الا البته کمیسیون قوانین مالیه اینستطالاب رامیداند و میتواند برای يك نفر زارع فقیری که باید مشغول زراعت باشد و شکایتی داشته باشد دلسوزی بکند

عدل المملک - پیشنهادی کدر ماده (۷۰) شد قابل توجه شد و بکمیسیون رفت اگر این ماده تصویب شود برای اینست که مجلس مشاوره عالی در تقصیرات مأمورین مالیه قضاوت کند بعقیده بنده بهتر اینست بعد از آن پیشنهاد يك هیئت دیگری بتقصیرات آنها رسیدگی کند و اگر صلاح بداند رسیدگی باین تقصیرات بمحکمه مالیه رجوع شود.

مخبر - البته آقای عدل المملک تصدیق خواهند فرمود و این ترتیب خوب نیست بجهت اینکه نمیتوان تقصیر و خلاف اداری مأمورین را موکول بیک محکمه حقوقی کرد و در وزارت مالیه هم محکمه برای قضاوت در امور اداری غیر از مشاوره عالی تأسیس نشده است چون امر دائر بود باینکه حق رسیدگی را بشخص وزیر مالیه بدهیم یا يك هیئتی تصور کردیم که اگر يك هیئتی بدهیم بهتر خواهد بود پس از آنکه این نقطه نظر را پیدا کردیم دیدیم غیر از مجلس مشاوره عالی هیچ محل دیگری در وزارت مالیه صلاحیت اینستطالاب را نخواهد داشت

آصف الممالک - تصور میکنم اگر درست ملاحظه کنند مفاد این ماده که ملادر ماده (۶۱) ذکر شده است و این ماده بکلی زائد است اگر مقصود جلوگیری از تجاوزات امنای و بیشکاران مالیه است همانطوریکه مذاکره شد باید بمجلس در ایالات و ولایات تشکیل شود که مردم يك مرجع تظلماتی داشته باشند والا اگر صرف تقصیرات اداری باشد در ماده (۶۱) کاملاً ذکر شده است.

مخبر - حق با آقای آصف الممالک است آن ماده دیده نشده و اشتباهاً مکرر نوشته شده است و چون ماده (۷۶) مربوط باین پیشنهاد میشود مراجعه بفرمائید بکمیسیون
رئیس - ماده (۷۵) و (۷۶) هر دو - خیر - ماده (۷۵) طبعاً حذف میشود ولی چون حکمت قضیه در ماده (۷۶) بمجلس مشاوره عالی رجوع شده است و مربوط میشود به آن پیشنهادی در ماده (۷۰) شده باید بکمیسیون ارجاع شود

رئیس - پس ماده (۷۵) را مخیر مسترد میکنند و ماده (۷۶) با آن پیشنهادی که قابل توجه شد میرود بکمیسیون پیشنهادی هم آقای عماد السلطنه کرده بودند که طبعاً ساقط میشود - حالاده دقیقه تفنس است (در اینوقت حضار برای نفیس خارج شده و پس از ۱۵ دقیقه) (مجدداً جلسه تشکیل گردید)

رئیس - راجع بقانون تشکیلات مالیه يك فقره پیشنهاد است بعنوان ماده الحاقیه جمعی از آقایان امضاء کرده اند و راجع بهمین مطلب چندی قبل آقای معتمد السلطنه يك پیشنهادی کرده بودند بکمیسیون

رجوع شد ولی این پیشنهاد يك قدری مفصل تر است اگر آقای مخبر قبول کنند بکمیسیون رجوع میشود و اگر قبول نکنند رأی بگیریم (بمضمون ذیل قرائت شد)
ما امضاء کنندگان ذیل پیشنهاد بهمین نام که باین قانون تشکیلات این ماده افزوده شود.
کلیه دفاتر و اسناد و صورت محاسبات و احکام راجع بامور مالیات و کلیه مکاتبات ادارات وزارت مالیه باید بخط فارسی باشد

مخبر - آن دفعه هم که يك همچو پیشنهادی کردند بنده تقاضای فرستادن بکمیسیون را کردم و اگر در این باب کمیسیون اظهار عقیده نکند است غفلت شده است مقرر بفرمائید این را هم بفرستند بکمیسیون تا نظریاتی بشود
رئیس - در شور اول پیشنهاد شد و گویا بنا شد برای شور دوم بمجلس بیاید بهر جهت حالا که این را قبول بفرمائید بکمیسیون ارجاع میشود - شور اول قانون تشکیلات تمام شد حالا چیزی کدر دستور هست انتخاب یکنفر نایب رئیس است (در این موقع ورقه رأی منتشر و اخذ آراء شده آقایان حاج شیخ محمد حسن گروسی و سلطان الملام و منتصر السلطان بحکم قرعه معین شده و با اتفاق آقای صدر المملک شروع باستخراج آراء نمودند و بطوری که ذیلاً مندرج است نتیجه حاصل شد)
عده اوراق ۵۴ مهره نفتی ۵۴
آقای مدلل الدوله ۴۲ رأی - آقای سردار معتمد ۲ رأی - آقای میرزا قاسم خان ۲ رأی - آقای سردار معظم ۲ رأی - آقای میرزا سلیمان خان ۲ رأی
آقای معتمد السلطنه رأی - آقای حاج شیخ حبیب الله ۱ رأی

ورقه سفید علامت امتناع - ۳ ورق
رئیس - از ۵۴ نفر رأی دهندگان آقای مدلل الدوله با اکثریت (۴۲) رأی منتخب شدند دیگر چیزی در دستور نیست اگر مخالفی نباشد جلسه را ختم میکنیم جلسه دیگر روز یکشنبه ساعت ونیم بغروب مانده موضوع مذاکرات اولاً قانون عوارض دخانیات ثانیاً اگر حاضر شود پروگرام آقایان وزراء مخالفی نیست *

سردار معظم - فقط يك توضیحی میخواهم بدهم چون قانون عوارض دخانیات راجع دستور فرمودید از طرف کمیسیون از وزارت مالیه بعض توضیحات لازمه خواسته شده اگر تا صبح شنبه آن توضیحات برسد کمیسیون بدان را بپورت موفق میشود و اگر آن توضیحات نرسد طبعاً کمیسیون قوانین مالیه نمیتواند راپورت خود را بدهد محض اطلاع خاطر نماینده گان معترم عرض میکنم
رئیس - تا کدی می کنیم زودتر توضیحات را بفرستند آقایان مسبقاً این قانون مدتی است در کمیسیون مانده است و روز یکشنبه هم غیر از این چیزی نمیتوانیم برای دستور معین کنیم امیدوارم اهتمامی بفرمائید تا آن روز حاضر شود

محمد هاشم میرزا - چون در قانون دخانیات خیلی اشکالات هست گمان ندارم محققاً روز یکشنبه برسد ولی بنظر بنده ممکن است قانون تشکیلات مالیه برای روز یکشنبه برسد و شروع بشور ثانی بشود.

رئیس - نمیشود مابین شور اول و شور ثانی پنج روز باید فاصله باشد
محمد هاشم میرزا - بنده سهو کردم خیال کردم قسمت قسمت است
رئیس - دیگر مخالفی نیست (اظهاری نشد)
(مجلس يك ساعت از شب گذشته ختم شد)

جاسه ۳۸
صورت مشروح روز پنجشنبه پنجم شهری رجب ۱۳۲۷

مجلس تقریباً دو ساعت قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤتمن المملک تشکیل و صورت روز سه شنبه ۲۸ قرائت شد
غائبین با اجازه آقایان طباطبائی و فار السلطنه دکتر لقمان
رئیس - در صورت مجلس ایرادی هست یا نیست (مخالفتی نشد) معلوم میشود ملاحظاتی نیست صورت مجلس تصویب شد جلسه را برای روز یکشنبه معین کرده بودیم ولی بلا حظه اینکه قانون دخانیات از کمیسیون نگذشته و حاضر نبود این بود که جلسه منعقد نشد قانون تشکیلات مالیه که شور اولش تمام شده بود حاضر بود طبع و توزیع شد و جزء دستور امروز قراردادیم اگر مخالفی نباشد شروع میکنیم بشور ثانی آقایانی که تصویب میکنند در شور ثانی داخل شویم قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند).

رئیس - تصویب شد - ماده اول قرائت میشود. (بمضمون ذیل قرائت شد)
ماده اول - وزارت مالیه بتقسیمات ذیل منقسم میشود (۱) دائره وزارتی (۲) اداره تشخیص عایدات و خالصجات و مسکوکات (۳) اداره خزانه داری کل (۴) دائره محاسبات کل مالیه و دیون عمومی و وظایف (۵) اداره گمرکات (۶) محاکمات مالیه (۷) کمیسیون تطبیق حوالجات (۸) دائره پرسنل و ملزومات (۹) مجلس مشاوره عالی برای محاکمات اداری.
رئیس - در فقره اول مخالفی هست یا نیست.

حاج شیخ یوسف - در تحصیلات علمیه خوانده ایم که همیشه مقسم باید در اقسامش معتبر باشد عنوان این قانون (تشکیلات مالیه است) برای عنوان ماده اول نوشته شده است.

(وزارت مالیه بتقسیمات ذیل منقسم میشود) بنده گمان میکنم اینجا باید نوشته شود وزارت مالیه بتشکیلات ذیل متشکل میشود دلیل بر اینستطالاب این است که در ماده دوم هم عرض (کلیه ادارات) کلیه تشکیلات نوشته شده است که در ماده سوم هم به همین گمان می کنم اگر مجلس بگذردی وقت بکند که قانونیکه مینویسند محل تنقید واقع نشود بهتر است بنابراین اگر اینجا نوشته شود وزارت مالیه بتشکیلات ذیل متشکل میشود بهتر است

رئیس - این عبارتی است که چند مرتبه عرض کرده ام اصلاح عبارتی بکمیسیون باید رجوع شود حالا مجبورم عرض کنم اگر بعد از این در باب اصلاح عبارتی مذاکره شود مورد اخطار واقع خواهد شد

سردار معظم مخبر - علاوه بر اصلاح عبارتی کمیسیون هم نمیتواند با این مسئله موافقت بکند در ماده دوم و سوم هم که اینطور نوشته شده است برای این بوده که در شور اول بعضی از نمایندگان اشکال کردند که ادارات شامل دوائر نخواهد شد باینجهت تشکیلات نوشته شد.

رئیس - دیگر در فقره اول مخالفی نیست (اظهاری نشد) در فقرات دوم و سوم چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم هم اظهار مخالفتی نشد)
رئیس - رأی میکنیم بماده اول - آقایانی که ماده اول را تصویب میکنند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند).

رئیس - تصویب شد - ماده دوم قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)
ماده دوم - کلیه تشکیلات مذکوره در ماده فوق در تحت ریاست مستقیم وزیر مالیه خواهد بود.
رئیس - در این ماده کسی مخالف نیست (اظهاری نشد) آقایانی که ماده دوم را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند و ماده سوم باین مضمون قرائت شد)

ماده سوم - تشکیلات مزبوره هر يك در تحت ریاست یکنفر رئیس بوده بقدر لزوم اجزاء خواهند داشت باستثناء مجلس مشاوره عالی که ترتیب در مواد ۵۴ و ۵۵ مذکور است

حاج شیخ حبیب الله - در اینجا که نوشته شده باستثناء مجلس مشاوره عالی معنی این استثناء اینست که مجلس مشاوره عالی اجزاء لازم ندارد یا اینکه طور دیگری است

مخبر - مجلس مشاوره عالی هم رئیس و هم اجزاء دارد ولی فرقی که دارد اینست که ادارات دیگر رؤسا دائره دارند ولی مجلس مشاوره عالی دائمی نیست که همیشه مشغول خدمت و کار باشد هر وقت لازم باشد مجلس مشاوره عالی منعقد شود در تحت ریاست خود وزیر مالیه یا معاون او تشکیل میشود ولی سایر ادارات همیشه دائره است و رئیس و اجزا دائمی دارند

حاج شیخ حبیب الله - معناه.....
رئیس - آقا بدون اجازه که نمیشود حرف زد

حاج شیخ حبیب الله - اجازه میخواهم
رئیس - بفرمائید
حاج شیخ حبیب الله - معناه چون مجلس مشاوره عالی هم رئیس و هم اجزا خواهد داشت محتاج باستثناء نیست

رئیس - در ماده سوم دیگر ایرادی نیست (اظهاری نشد) رأی میکنیم بماده سوم آقایانی که ماده سوم را تصویب میکنند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - ماده چهارم خوانده میشود (باین مضمون قرائت شد)
ماده چهارم - روسای ادارات مذکوره در فقرات ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ ماده اول بر حسب پیشنهاد وزیر مالیه بصورت فرمان های مبنی منصوب میشوند
رئیس - در ماده چهارم ایرادی نیست (گفته شد خیر) پس رأی میکنیم آقایانی که

ماده چهارم را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب نمایندگان قیام نمودند ماده پنجم بمضمون ذیل خوانده شد)

ماده پنجم - رئیس دائره پرسنل و ملزومات مالیه بر حسب حکم وزیر مالیه منصوب میشود
رئیس - در ماده پنجم مخالفی هست یا نیست (اظهاری نشد) رأی میکنیم آقایانی که ماده

پنج را تصویب میکنند قیام نمایند (غالباً قیام نمودند) ماده پنجم تصویب و ماده ششم بمضمون ذیل خوانده شد ماده ششم - روسای دوائر ادارات مذکوره در ماده يك به پیشنهاد رئیس اداره و حکم وزارتی منصوب میشوند

عدل المملک - در شور اول بنده در موقعی که مذاکره میشد اداره وصول را از خزانه داری مجزا کنند توضیحاتی دادم و آقای مخبر هم قبول کردند که کلمه مرکز را در اینجا بیفزایند و مخصوصاً با تصرفی که در ماده هفتاد شده است تعیین مأمورین ولایات بر حسب پیشنهاد پرسنل و تصویب مجلس مشاوره عالی معین شده این عبارت در اینجا جامع نیست بنا بر این اگر عبارت مرکز اضافه شود گمان میکنم رفع این اشکال بشود

مخبر - نظرم نیست چنین پیشنهادی به کمیسیون رسیده باشد ولی بهر حال مقصود این است که روسای ادارات مرکزی بر حسب پیشنهاد رئیس اداره و حکم وزارتی معین میشوند و از برای مأمورین ولایات يك تکلیفی بعد معین می شود

عدل المملک - آنروز پیشنهاد بنده شفاهی بود و ایشان هم شفاهی فرمودند که کلمه مرکز افزوده میشود و اگر نظر بماده هفتاد کنند می بینند که تعیین مأمورین ولایات بموجب پیشنهاد دائره پرسنل و تصویب مجلس مشاوره عالی پیشنهاد شده و این ماده جامعا برای تمام دوائر مینویسد به پیشنهاد رئیس اداره آنوقت شامل آن ترتیب نمیشود خوب است این ماده اصلاح شود

مخبر - مطلب بعقیده بنده واضح است ممکن است ادارات مرکزی که در اینجا ذکر شده در داخله خودشان منقسم بدوائری شوند روسای آن دوائر مرکزی را کی معین میکند البته بتصویب وزیر و نظر روسای آن ادارات است و نمیتوان این حق نظر را از آنها سلب کرد فرض کنید اداره تشخیص عایدات در داخله خودش منقسم بشود بدوائر جزء رؤسائی که میخواهند برای آنها معین کنند البته باید بنا نظر رئیس اداره تشخیص عایدات باشد و همچنین اداره محاسبات يك شعبه که میخواهند برای وظایف معین کنند طبیعتاً و قهراً باید نظر رئیس اداره محاسبات شرط باشد اما ماده (۷۱) که فرمودند گمان میکنم ماده (۷۱) نیست ماده ۶۷ یا (۶۸) است و آن ماده مربوط است بامناء و بیشکاران مالیه و اینها دو مطلب جدا هستند و مربوط بهم نیستند

عدل المملک - عرض میکنم این تشکیلات را تقسیم کرده اند اداره دوائر بر کمیتند نکرده اند البته روسای دوائر اعم است از آنکه بیشکار مالیه باشد و یا رئیس يك دائره باشد در مرکز و خود ایشان آنروز هم باین ترتیب که کلمه مرکز را در اینجا بیفزایند و گویا فراموش کرده اند و گمان میکنم اگر کلمه